فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، دوره‌ی سوم، شماره‌ی٤، بهار٩٤، صفحات ٧٥-١١٠

مطالعه‌ی جنسیتی شاخص‌های توسعه در اجرای برنامه چهارم

سمیه سادات شفیعی[1]، زهرا پورباقر[2]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۷/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۰۵

چکیده

در این مقاله سعی شده است تا جایگاه زنان در برنامه‌ی چهارم توسعه بررسی شود و در مقایسه با سایر برنامه‌های پیشین مورد واکاوی قرار گیرد. در مرحله‌ی بعد، شاخص‌های توسعه در مدت زمان اجرای برنامه چهارم به کمک داده‌های ملی و بین المللی مورد مطالعه جنسیتی قرار گرفته است تا چگونگی تحقق این برنامه در عمل مشخص شود. این پژوهش با استفاده از روش اسنادی، کتابخانه‌ای و روش تحلیل داده‌های مرتبط انجام شده است. اطلاعات در خصوص شاخص‌های توسعه عمدتاً برگرفته از داده‌های انتشار یافته قابل دسترس مرکز آمار ایران، سازمان بهداشت جهانی، گزارش شکاف جنسیتی مجمع جهانی اقتصاد و نیز بانک جهانی است. مطالعه‌ی جنسیتی مفاد برنامه نشان می‌دهد درحالی‌که نقطه تمایز برنامه چهارم توسعه نسبت به برنامه‌های پیشین، مبتنی بر ایجاد زمینه برای افزایش مشارکت اقتصادی، اجتماعی زنان است، واقعیت امر به‌گونه دیگری است.

به عبارت دیگر اگرچه شاخص‌های بهداشت و سلامت و نیز آموزش، خصوصاً آموزش عالی حکایت از بهبود وضعیت زنان دارد، شاخص‌های اقتصادی و نیز سیاسی نسبت به برنامه سوم توسعه و نیز انتظارات مندرج در برنامه ی چهارم، رشد مطلوبی نداشته است. این مهم، در کنار درک برخی استلزامات سیاست‌گزاری، ضرورت اتخاذ رویکردی استراتژیک در برنامه‌های کلان معطوف به زنان را برجسته می‌سازد.

واژه های کلیدی: مطالعه‌ی جنسیتی، برنامه‌ی چهارم توسعه، زنان، آموزش، بهداشت، اشتغال، بی کاری، سیاست

[1]. استادیار پژوهشکده‌ی مطالعات اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده مسؤول) ss.shafiei@gmail.com

[2]. کارشناس ارشد و پژوهشگر اقتصاد نظری pourbagher_zahra@yahoo.com

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

مقدمه و بیان مسأله

بدون شک توسعه مستلزم استفاده از تمامی توان‌مندی‌ها، ظرفیت‌ها و استعدادها موجود در هر جامعه است. مطالعات و تجربیات کسب شده‌ی جهانی در طول سال‌های اجرای برنامه‌های توسعه نشان می‌دهد، میزان توسعه‌یافتگی هر کشور تابعی از شاخص‌های کیفیت گروه‌های مختلف اجتماعی، از جمله زنان است. غفلت و نادیده انگاشتن قابلیت‌ها و توانایی‌های این درصد بالای جمعیت، سبب هدر رفتن استعدادها و شایستگی‌های بسیار و هم چنین زمینه ساز عدم اجرای برنامه‌های توسعه و محرومیت جبران ناپذیر کشور خواهد شد؛ لذا یکی از مهم‌ترین مسائل وابسته به توسعه که بررسی و مداقه درخوری را می‌طلبد، موضوع زنان است، این مهم هم مشتمل بر شناخت ابعاد جنسیتی برنامه‌ریزی توسعه و هم مطالعه‌ی پیامدهای اجرای برنامه بر زندگی زنان است[1].

به لحاظ تاریخی موضوع نقش زنان در توسعه به تدریج و از اوایل دهه‌ی هفتاد میلادی در پروژه‌های توسعه مطرح شد، هر چند که این موضوع در آثار پراکنده دهه‌ی بیست و پنجاه مطرح شده بود. بوستراپ[2] در کتاب *نقش زنان در توسعه‌ی اقتصادی* به اهمیت نقش زنان در اقتصادهای کشاورزی و عدم تطابق پروژه‌های توسعه با این واقعیت پرداخته است. او در مقدمه‌ی کتابش می‌نویسد: در ادبیات گسترده و رو به رشد توسعه‌ی اقتصادی، توجه به مسائل مبتلا به زنان اندک و پراکنده است (بولس، ۱۹۹۹: ۲۳). این آثار و نیز گزارش نابرابری در حوزه‌ی مشارکت اقتصادی نشان می‌داد، زنان در کشورهای جهان سوم درصد بالایی از جمعیت را به خود اختصاص داده، درحالی که میزان مشارکت اقتصادی ناچیزی را دارا هستند و یا اکثریت قاطع آنان در بخش‌های غیر رسمی نظیر کشاورزی، دامداری و آبخیزداری مشغول به کارند که در عمل از انواع کار رسمی به حساب نمی‌آید. علاوه بر این طرح مطالبات زنان که ناشی از افزایش آگاهی آنان بود، موجب شد تا به تدریج از دهه‌ی هفتاد میلادی برنامه ریزان و سیاست‌گزاران توسعه، برنامه‌های بیش‌تری را به زنان اختصاص دهند، تا آنان را توان‌مندتر سازند. در مجموع رویکرد زنان در توسعه با هدف افزایش تولید و درآمد زنان، ضمن پذیرش

[1] از جمله برخی آثار به‌طور خاص معطوف به فقر و نابرابری زنان و توسعه است. برای مطالعه‌ی بیش‌تر نگاه کنید به تینکر (۱۹۹۰)، نایلا کبیر(۲۰۰۳)، کرولین(۲۰۰۲).

[2] Boserup ,Ester

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

ساختارهای اجتماعی موجود در کشورها در تلاش است تا چگونگی جای گیری و ادغام هر چه بهتر زنان در برنامه‌های توسعه‌ی فعلی را مورد توجه قرار دهد[۱].

در نتیجه‌ی برنامه‌ی توسعه‌ی سازمان ملل متحد، زیر مجموعه‌ای به نام زنان در توسعه ایجاد کرد تا اقدامی عینی در جهت تضمین مشارکت زنان در برنامه‌های توسعه انجام دهد. گزارش استراتژی توسعه‌ی بین‌المللی برای دهه‌ی سوم توسعه‌ی ملل متحد[۲] در سال ۱۹۸۰ منتشر شد که مشتمل بر برخی از مسائل زنان در توسعه بود. این گزارش از زنان دعوت کرد تا نقش فعالی هم به عنوان کارگزار و هم ذی نفعان، در همه بخش‌ها و سطوح برنامه‌ی عمل مصوب مجمع جهانی سازمان ملل داشته باشند. در ۱۹۸۵ گزارش مرکز توسعه‌ی کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه، نمونه‌های بسیاری از پروژه‌های توسعه که با هدف زنان بود را برشمرد و نتیجه گرفت اکثر آنان بسیار رفاه‌گرا بودند. هم چنین بیان شد که پروژه‌های آتی باید از رویکرد اقتصاد خانگی اجتناب کرده و بر فعالیت‌های درآمدزا که با شرایط زنان مشارکت کننده مرتبط و نیز برای آنان مفید است، تمرکز یابند. هم چنین گزارش به قلّت اطلاعات در خصوص نقش‌ها و فعالیت‌های زنان اذعان داشته و خواستار انجام پژوهش‌های بیش‌تر به عنوان ورودی‌های پروژه‌های توسعه است (ویکس، واگلیانی،۱۹۸۵ :۵۲).

علی رغم همه این‌ها، باید گفت، اجرای برنامه‌ی توسعه در خصوص بهبود شاخص‌های اقتصادی، باید به رفع نابرابری‌های جنسیتی بینجامد. حال آن‌که امروزه حتی در کشورهای پیشرفته نیز که کمترین میزان شکاف جنسیتی را گزارش کرده‌اند، شکاف جنسیتی در حوزه‌ی مشارکت اقتصادی هر چند به شکل چشمگیری ترمیم یافته، هم چنان باقی است.

بر این اساس در مقاله‌ی حاضر، ضمن توجه به برنامه‌های ملی توسعه، تلاش شده تا پیامدهای اجرای آن بر زندگی زنان بررسی شود. در واقع با توجه به مطالعات انجام یافته در خصوص برنامه‌ی اول تا سوم توسعه و فقدان مطالعه در خصوص شاخص‌های توسعه در دوره‌ی چهارم که تا اندازه‌ای به دلیل فقدان اطلاعات آماری موثق بوده است، ضرورت دارد تا پژوهشی مستقل در خصوص این دوره‌ی زمانی انجام شود. خصوصاً

[۱] به‌طور مثال برای مطالعه‌ی بیش‌تر نگاه کنید به تیلور ۱۹۹۹: ۱۵ و کامبیلو ۱۹۹۳ :۳۴.

[2] international development strategy for the third united nations development decade.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

آن‌که به جهت ارائه پس از موعد برنامه‌ی پنجم توسعه، عملاً بازه‌ی زمانی‌ی چهارم بیش از سایر برنامه‌ها طولانی شده است.

هدف این پژوهش مطالعه‌ی شاخص‌های توسعه در دوره‌ی زمانی اجرای برنامه‌ی چهارم توسعه است. بر این اساس ضمن مطالعه برنامه‌ی چهارم توسعه، گزاره‌های مرتبط با زنان شناسایی و گزارشی نیز از اهداف جنسیتی آن ارائه خواهد شد. در نهایت ضمن ارائه یافته‌های تحقیق که گویای ابعاد عینی و تجربه‌ی زندگی زنان است، نشان خواهیم داد، آیا مناقشات بر سر مضامین و دست مایه های طرح شده در خصوص گفتمان‌های حاکم بر برنامه‌های توسعه صرفاً جدالی لفظی است یا به واقع بر شاخص‌های توسعه تأثیر گذار بوده است.

پرسش‌های پژوهش

- موضوع زنان در کدام یک از مواد برنامه‌های چهارم توسعه مورد توجه قرار گرفته است؟

- وضعیت زنان در شاخص‌های آموزش، بهداشت، اشتغال و سیاست در طول اجرای برنامه‌ی چهارم و در مقایسه با مدت زمان اجرای سایر برنامه های چهارگانه چگونه است؟

پیشینه‌ی پژوهش

موضوع زنان و برنامه‌های توسعه دست مایه‌ی پژوهش‌های متفاوتی قرار گرفته است، از جمله مقاله‌ی *زنان و خانواده در چهار برنامه‌ی توسعه* که نویسنده ضمن توجه به بندهای قانون برنامه‌های اول تا چهارم توسعه معتقد است در برنامه‌ی اول و دوم توسعه، موضوع زنان به عنوان زیر مجموعه‌ای از بحث کنترل موالید و جمعیّت مطرح و حتی توجه به ورزش بانوان و تشویق مشارکت بیش‌تر ایشان در امور اجتماعی و فرهنگی به عنوان اموری التیام بخش و تسکین دهنده‌ی طرح و مسائل و مشکلات اساسی و واقعی زنان شناسایی نشده بود ... برنامه‌ی سوم توسعه بی طرفی جنسیتی را به طور آگاهانه لحاظ کرده و بر توان‌مند سازی زنان تأکید دارد؛ و مهم‌ترین دغدغه‌ی برنامه چهارم توسعه موضوع اشتغال زنان و ارتقائ جایگاه اقتصادی زنان در جامعه است؛ و

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

نویسنده با فرض اجرای عدالت جنسیتی به عنوان هدف برنامه‌ی چهارم توسعه و به منزله رسیدن زنان و مردان به یک مقصد و مقصد مشابه، بر تعالیم الهی اسلام تأکید داشته، مقرر نمودن مقصدی مشابه به عنوان آرمانی واحد برای هر دو جنس را منطقی و قابل دسترس نمی‌داند و برنامه‌ی سوم و چهارم را تنها متناسب با وضعیت زنان تحصیل کرده و غافل از زنان خانه دار و فاقد تحصیلات عالی می‌داند. هم چنین طرح موضوع خشونت علیه زنان در برنامه‌ی چهارم را ناشی از توصیه نظام بین‌الملل و نه اولویّت مشکلات زنان در جامعه ایران می‌داند؛ و در نهایت با طرح پیشنهادها و توصیه‌هایی به شرط انجام، نتایج ارزنده‌تری را نوید می‌دهد (زعفرانچی ۱۳۸۵، ۹۸-۱۲۹).

مقاله‌ی کوتاه اما مفید نقش زنان در فرآیند توسعه ضمن نگاه اجمالی به مبانی نظری جنسیت و توسعه و ذکر بندهای مرتبط با زنان در برنامه‌ی چهارم؛ نگاهی به وضعیت چند کشور پیشرفته، در حال توسعه و توسعه نیافته داشته و رتبه بندی جهانی ایران را در مقایسه با این کشورها مطرح می‌سازد؛ لذا، گرچه کشور ما از نظر توسعه‌ی انسانی در دو دهه‌ی اخیر پیشرفت نسبتاً خوبی داشته است، اما از نظر شاخص‌های مربوط به زنان از وضعیت چندان مناسبی در مقایسه با اکثر کشورهای جهان سوم برخوردار نبوده و حتی از کشورهای بحرین و پاکستان نیز عقب تر است (حسینی، ۱۳۸۴: ۷). با این حال با توجه به آماری که در خصوص افزایش میزان سواد و میزان ورودی زنان به آموزش عالی در چند سال گذشته انتشار یافته و با توجه به این‌که تقریباً همه صاحب‌نظران توسعه بر اهمیت نقش آموزش، اتفاق نظر دارند، به آینده باید با خوش بینی نگریست. امروزه ثابت شده است که آموزش با رفاه اجتماعی رابطه‌ی مستقیمی دارد. آموزش در عین حال که بار مسؤولیت زنان را افزایش می‌دهد، توانایی آن‌ها را نیز برای استیفای حقوق خود افزایش می‌دهد. آموزش دختران و شرکت فعال آنان در آموزش عالی بهترین امید برای از بین بردن چرخه ی محرومیت زنان می‌باشد (حسینی، ۱۳۸۴: ۸).

مقاله مقایسه جایگاه زنان در برنامه‌ی توسعه و کلان جمهوری اسلامی، پنج برنامه‌ی توسعه را بر حسب جایگاه زنان در بندهای مختلف قوانین مورد بررسی قرار داده است و با استفاده از داده‌های سایر مقالات نمایی کلی از شاخص‌های آموزش، بهداشت، اشتغال و تأمین اجتماعی زنان تا دهه هفتاد ارائه می‌دهد. در نتیجه گیری نویسندگان معتقدند هر چند برنامه‌ی سوم و چهارم عدالت جنسیتی را در مقایسه با برنامه‌های اول

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

و دوم توسعه بیش از پیش مدنظر قرار داد و در حقیقت مهم‌ترین دغدغه برنامه‌ی چهارم، توسعه ی مشارکت اجتماعی زنان بوده است. اما بسیاری از ماده‌های این قانون برنامه‌ی عملی نشد. تا جایی که اعتبارات حوزه‌ی زنان کاهش چشمگیری را شاهد بوده است. قانون برنامه‌ی پنجم با رویکردی ایرانی اسلامی به طور ملموسی به گروه زنان خانه دار توجه داشته و جایگاه دیگر گروه‌های زنان را نسبت به گروه زنان خانه دار نادیده گرفته است. علاوه بر این حذف نگاه جنسیتی، عدم اختصاص سر فصل ویژه به امور زنان، ابهام در کلمات از جمله ایرادات مهم این برنامه‌ی است (قدیمی و دیگران، ۱۳۹۰).

مقاله تحلیل گفتمان سند برنامه‌ی چهارم توسعه با رویکردی به مسائل زنان، خانواده و گفتمان مسلط بر برنامه‌ی توسعه‌ی سوم و چهارم را گفتمان اصلاح طلب و مبتنی بر رویکردهای توان‌مندسازی و جنسیت و توسعه با تأکید بر نشانه‌هایی چون اصلاحات، توسعه سیاسی و جامعه‌ی مدنی می‌داند حال آن‌که گفتمان برنامه‌ی پنجم توسعه ضمن تأکید بر قانون اساسی، توسعه‌ی اقتصادی، عدالت، ارزش‌های دینی و اخلاقی و استقلال ضمن انتقاد از رویکردهای عمده در نظریات توسعه، به دنبال نظریه پردازی با رویکرد خانواده گرایی است (کرمی،۱۳۹۱: ۴۱-۷۴). در بخش بعد به طور مبسوط به این مقاله اشاره خواهد شد.

مقاله ابعاد شکاف جنسیتی و میزان تحقق کاهش آن در برنامه‌ی سوم توسعه، ضمن توجه به برخی آمارهای شاخص آموزش، بهداشت اشتغال و تأمین اجتماعی در سطح ملی و استانی چنین نتیجه می‌گیرد که به استناد شواهد اگرچه در راستای کاهش شکاف‌های جنسیتی گام‌های بلندی برداشته شده است، اما هنوز زنان با مسائل و مشکلاتی روبه‌رو هستند. برخی از این مشکلات و موانع به فشارها و اجبارهای توسعه بر می‌گردد، اما بخشی نیز به فرهنگ و سنت‌های حاکم مرتبط است که قابل اجتناب و مرتفع شدن می‌باشد. در جایی دیگر نویسندگان مدعی‌اند اگر چه اراده‌ی مشخصی برای کاهش شکاف‌های جنسیتی در قالب برخی مواد برنامه‌ی سوم محقق شده است، اما فرآیند رخ داده در سطح جامعه بیش از آنکه محصول این اراده باشد، ناشی از روند کلی جامعه و فارغ از اراده‌ی حاکم است. این نتیجه را از تفاوت فاحش در شاخص‌های بخش اشتغال نیز می‌توان دید، تفاوتی که نه تنها کاهش نیافته بلکه افزایش هم یافته و

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

تفاوت نتایج آن با پیش بینی‌های برنامه‌ی سوم زیاد است (صادقی و کلهر، ۱۳۸۶: ۲۵-۲۸).

مقاله جایگاه زنان در برنامه‌ی‌های توسعه کشور، ضمن مرور تاریخی جایگاه زنان در دوره‌های گوناگون تاریخی، به ارزیابی بندهای مرتبط با زنان در قوانین چهارگانه برنامه‌ی‌های توسعه کشور پرداخته است در نتیجه گیری، ضمن بیان لزوم توجه مسؤولان به ایجاد زمینه‌های توان‌مند سازی زنان و رفع موانع فرهنگی و تغییر قوانین، ضرورت فراهم آوردن برابری و عدالت جنسیتی را خاطر نشان می‌سازد و بر این نکته بدیهی تأکید دارد که دیگر نمی‌توان از ورود زنان به زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جلوگیری کرد. زیرا ضمن افزایش نارضایتی‌ها، آثار نامطلوب اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بر جای خواهد گذاشت و با بازماندن کشور از توسعه در سطح جهانی از اعتبار ایران خواهد کاست. (سپهری، ۱۳۸۴: ۸۵-۱۰۲).

در مجموع به نظر می رسد برنامه‌ی چهارم بیش از سایر برنامه‌ی ها به موضوع زنان پرداخته است و به فراخور ماهیت دولت تصویب کننده ی آن، نگاهی مشارکت جویانه به زنان و قابلیت هایشان به خصوص در عرصه ی اقتصادی داشته است. در ادامه و با تمرکز بر برنامه‌ی چهارم به نتایج پژوهش تحلیل گفتمان آن به طور مفصل تر خواهیم پرداخت.

روش تحقیق

پژوهش حاضر با استفاده از روش اسنادی، کتابخانه‌ای و روش تحلیل داده‌های مرتبط انجام شده است. اطلاعات در خصوص شاخص‌های توسعه عمدتاً برگرفته از داده های انتشار یافته ی قابل دسترس سازمان آمار ایران، سازمان بهداشت جهانی، گزارش شکاف جنسیتی مجمع جهانی اقتصاد و نیز بانک جهانی است. با توجه به تعدد منابع اطلاعاتی از جمله آخرین داده های سازمان آمار ایران و نیز داده‌های بین المللی بانک جهانی، گزارش های توسعه‌ی انسانی و گزارش مجمع جهانی اقتصاد، پس از گردآوری اطلاعات، مدت زمانی صرف مقایسه و نیز اعتبارسنجی داده‌ها شد تا در نهایت تحلیل برمبنای آمارهای معتبر صورت گیرد. نکته‌ی لازم به ذکر آن است که استفاده از نسبت جنسیتی در اکثر موارد اولویت داشت. لذا اگر داده‌های موجود در این قالب نبود، تلاش

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

شد تا نسبت جنسی آن از طریق نسبت تعداد زنان بر مردان در شاخص مذکور ضرب درصد، محاسبه و درج گردد. این امر کمک کرد تا شاخص، فاصله‌ی میان دستاوردهای زنان در مقایسه با مردان را به روشنی نشان دهد و صرفاً به ذکر موقعیت زنان بسنده نشود.

زنان در برنامه‌ی چهارم توسعه

در برنامه‌ی پنج ساله چهارم (۱۳۸۸-۱۳۸۴) بیست بار به کلمه‌ی زنان اشاره شده است. در زیر بند «د» ماده ی ۳۰ این قانون دولت موظف است برای قشرهای کم درآمد از جمله زنان سرپرست خانوار به سازندگان واحدهای مسکونی یارانه پرداخت کند. در زیر ماده‌ی ۵۴ این قانون به پرداخت هزینه‌ی آموزش ضمن خدمت کارکنان به خصوص زنان تأکید شده است. ماده‌ی ۷۱ قانون برنامه‌ی سوم درباره‌ی زنان عیناً در برنامه‌ی چهارم تکرار شده است. در زیر ماده‌ی ۹۷ قانون به افزایش مستمری ماهانه ی خانوارهای نیازمند و زنان بی‌سرپرست تحت پوشش دستگاه‌های حمایتی اشاره شده است و در ماده ی ۱۰۲ به توان مندسازی زنان در راستای برقراری تعاملات اجتماعی لازم جهت شکل گیری فعالیت واحدهای تعاونی از تکالیف دولت دانسته شده است و بالاخره ماده‌ی ۱۱۱ به افزایش مشارکت زنان اختصاص دارد.

ماده‌ی ۱۱۱: دولت موظف است، با هدف تقویت نقش زنان در جامعه و توسعه فرصت‌ها و گسترش سطح مشارکت آن ها در کشور، اقدام های ذیل را معمول دارد:

الف: تدوین، تصویب و اجرای برنامه‌ی جامع توسعه مشارکت زنان مشتمل بر بازنگری قوانین و مقررات به‌ویژه قانون مدنی، تقویت مهارت های زنان متناسب با نیازهای جامعه و تحولات فناوری، شناسایی و افزایش ساختارهای سرمایه‌گذاری در فرصت های اشتغال زا، توجه به ترکیب جنسیتی عرضه ی نیروی کار، ارتقای کیفیت زندگی زنان و نیز افزایش باورهای عمومی نسبت به شایستگی آنان.

ب: تنظیم و ارائه‌ی لوایح، مربوط به تحکیم نهاد خانواده جهت تصویب در مراجع مربوط.

ج: انجام اقدام های لازم از جمله تهیه‌ی برنامه‌های پیشگیرانه و تمهیدات قانونی و حقوقی، به منظور رفع خشونت علیه زنان.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

د: تقدیم لایحه‌ی حمایت از ایجاد و گسترش سازمان های غیر دولتی، نهادهای مدنی و تشکّل های زنان به مجلس شورای اسلامی.

تبصره- کلیه‌ی دستگاه‌های اجرایی موظف‌اند اعتبار لازم برای انجام تکالیف قانونی موضوع این ماده‌ی را که مرتبط با وظایف قانونی آن‌ها است در لوایح بودجه سنواتی ذیل برنامه‌ی مربوط، پیش‌بینی و اقدام های لازم را با هماهنگی مرکز امور مشارکت زنان به عمل آورند.

هم چنین اولویت تجهیز مدارس دخترانه در ماده‌ی ۵۲، اولویت آموزش ضمن خدمت زنان در دستگاه‌های دولتی مندرج در ماده‌ی ۵۴، تأکید بر تدوین و تصویب طرح جامع توان‌مندسازی و حمایت از حقوق زنان در ماده‌ی ۹۸، تأکید بر توجه ویژه به تشکل‌های اجتماعی در زمینه‌ی صیانت از حقوق کودکان و زنان در ماده‌ی ۱۰۰، تساوی مزدها برای زنان در مقابل مردان، توان‌مندسازی زنان از طریق دستیابی به فرصت‌های شغلی مناسب مندرج در ماده‌ی ۱۰۱، توان‌مندسازی زنان در بخش تعاونی در ماده‌ی ۱۰۲، اولویت توسعه‌ی اماکن سرپوشیده برای دختران در ماده‌ی ۱۱۷ که در مجموع، نگاه خاص قانون برنامه‌ی چهارم توسعه به زنان را نشان می‌دهد.

کرمی در مقاله قابل تأمل تحلیل گفتمان حاکم بر برنامه‌ی سوم و چهارم توسعه، آن ها را به گفتمان توسعه‌ی اصلاح طلب منتسب دانسته است و برنامه‌ی چهارم را با رویکردی رادیکال‌تر و چالش برانگیزتر از برنامه‌ی پیشین که دال محوری آن اصلاحات در قالب امور اداری و حقوقی جهت رفع موانع اشتغال و ارتقای شغلی زنان و نیز تسهیل امور حقوقی و قضایی آنان است، می داند. معنای دلالت یافته دال اصلاحات این بار در قالب اصلاح باورهای فرهنگی در مورد شایستگی زنان و افزایش باور عمومی به توانایی آن‌ها و نیز بازنگری در قوانین و مقررات به ویژه قانون مدنی تبلور یافته است. لذا این گفتمان با به چالش کشاندن رویکردهای گفتمان اصول‌گرا مبنی بر برجسته کردن نقش های جنسیتی زنان و معرفی خانواده به عنوان مهم‌ترین عرصه مجاز حضور زنان، تلاش دارد تا موانع ذهنی و قانونی حضور زنان در عرصه های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را از میان برداشته و زمینه مشارکت آنان در توسعه کشور را فراهم سازد. با پر رنگ تر کردن اصلاح قوانین مدنی با هدف افزایش مشارکت زنان به عنوان شهروندانی هم پایه

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

مـردان، باورهـای گفتمـان سـنتی رقیـب را کـه حضـور زنـان در مناصـب مـدیریتی و اجتمـاعی را مجاز نمی داند، به چالش می کشد.

کرمی مـی نویسـد:«اشـتغال دیگـر نشـانه ی فرعـی قـرار گرفتـه زیـر اصـلی تـوان‌مندسـازی زنـان اسـت. دالـی کـه گفتمـان توسـعه اصـلاح طلـب، بـا سـاختار شـکنی از باورهـای گفتمـان رقیـب کـه نـان آوری را وظیفـه مـرد دانسـته و بـا تأکیـد بـر قداسـت نقـش هـای مـادری و همسـری، خانـه‌داری را وظیفـه‌ای زنانـه تعریـف کـرده؛ تـلاش مـی کنـد تـا زمینـه‌ی توسـعه‌ی حضور زنـان در عرصـه هـایی غیـر از خـانواده را فـراهم کنـد. ایـن گفتمـان بـا فـراهم سـاختن زمینه ی اشـتغال رسـمی زنـان، تـلاش مـی کنـد از یـک سـو امکـان مشـارکت اقتصـادی آنـان و توسـعه کشـور را فـراهم کنـد و از سـوی دیگـر بـا افـزایش اسـتقلال زنـان بـه دنبـال اسـتقلال مالی ایشان کیفیـت زنـدگی زنـان را افـزایش دهـد. امـا در حـالی کـه معنـی تثبیـت شـده بـرای نشانه ی اشتغال زنـان، در برنامـه‌ی سـوم، تنهـا بـه برداشـتن موانـع اداری و حقـوقی بـر سـر راه افـزایش فرصـت‌هـای اشـتغال و ارتقـای شـغلی زنـان، حمایـت از اشـتغال‌زایـی زنـان در قالـب سازمان های غیر دولتـی و نیـز اولویـت زنـان بـی‌کـاری سرپرسـت خـانوار جهـت دریافـت وام بدوم بهره دلالت می کند؛ در برنامـه‌ی توسـعه چهـارم بـر ابعـاد معنـی ایـن نشـانه افـزوده شـده و بـا برجسـته کـردن اقـدامات ریشـه ای، معنـایی یـک‌دسـت تـر بـا گفتمـان مـذکور ارائـه مـی شود. پس معنـی سـازگار بـا دال اشـتغال در برنامـه‌ی توسـعه چهـارم، بـر ارتقـای مهـارت هـای شـغلی و افـزایش کـارایی زنـان از طریـق دوره هـای آمـوزش ضـمن خـدمت(مـاده‌ی ۵۴)، تسـاوی دسـتمزد مـرد و زن در برابـر کـار هـم ارزش، برابـری فرصـت‌هـا بـرای زن و مـرد و تـوان‌مندسـازی زنـان از طریـق دسـتیابی بـه فرصـت‌هـای اشـتغال مناسـب بـه واسـطه طـرح برنامـه‌ی ملـی توسـعه کـار شایسـته (مـاده‌ی ۱۰۱) در جهـت برجسـته کـردن مفـاهیم برابـری و شایسته سالاری دلالت می‌یابد (کرمی، ۱۳۹۱: ۶۵-۶۴).

نویسـنده در پایـان نتیجـه مـی گیـرد:«سیاسـت هـای موجـود در برنامـه‌ی‌هـای برخاسـته از گفتمان اصـلاح طلـب، ماننـد فـراهم کـردن فرصـت اشـتغال، آمـوزش برابـر، اصـلاح قـوانین و باورهای عمومی در مورد زنان، کـه از یـک سـو بـه افـزایش قـدرت درونـی زنـان بـه واسـطه‌ی افزایش اعتماد بـه نفـس در آن‌هـا کمـک کـرده اسـت و بـا فـراهم کـردن فرصـت اشـتغال و بـه دنبـال آن افـزایش اسـتقلال مـالی، قـدرت زنـان را افـزایش مـی دهـد، امـا از سـوی دیگـر ایـن گفتمان، هیچ برنامه‌ی روشـن و مـدوّنی را جهـت توجـه بـه خـانواده و تحکـیم آن ارائـه نکـرده

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

و حتـی بسـیاری از سیاسـت‌هـای جنسـیتی مـورد تأکیـد ایـن گفتمـان، بـه‌طـور تلـویحی و یـا تصریحی نهاد خانواده را مورد انتقاد قرار داده است (همان: ۷۱-۷۰).

در ادامه پس از مطالعه جنسـیتی شـاخص‌هـای توسـعه بـه طـورکلی و نیـز بـه طـور خـاص در زمان اجرای برنامه‌ی چهارم به تحلیل‌های مقاله‌ی بالا بازخواهیم گشت.

زنان و شاخص‌های توسعه در دوره‌ی برنامه‌ی چهارم توسعه

بهداشت

میزان امید به زندگی

در دنیای امروز که شاخص‌های رفاهی و بهداشتی به طورکلی بهبود قابل توجهی یافتـه اسـت، این انتظار می‌رود که میزان امید به زندگی افزایش یابد. در ایران نیز این شاخص‌ها ماننـد شـاخص افزایش دسترسی عمومی به خدمات بهداشتی، پیشگیری و کنترل بیماری‌ها از قبیل دیابت و چـاقی و...سیر صعودی داشته است. به گونه‌ای که میزان امید بـه زنـدگی از ۶۵/۲۷ در سـال ۶۸ بـه رقـم ۷۵/۴۳ در سال ۹۰ رسیده که نشان می‌دهد در طی ۲۲ سال، ۱۰ سال بـه میـزان طـول عمـر زنـان اضافه گردیده است (نمودار شماره‌ی یک).

مجمع جهانی اقتصاد نیز در گزارشی دیگر با استفاده از شاخص امید به زندگی سالم ارائه شده از سوی سازمان بهداشت جهانی شرایط متفاوتی را گزارش می‌دهد. در تعریف، ایـن شـاخص بـه معنای تعداد سال‌هایی است که زنان و مردان با توجه به عواملی چون خشونت، بیماری، سوءتغذیه و سایر موارد مشابه می‌توانند انتظار زندگی سالمی داشته باشند. درحالی که میزان شاخص امید بـه زندگی سالم برای زنان در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۸، ۵۹ سال بوده است، ایـن میـزان در سـال‌هـای ۲۰۱۰ و ۲۰۱۲ به ۶۲ سال برای زنان در مقابـل ۶۰ سـال بـرای مـردان ارتقـا یافتـه اسـت. نسـبت جنسیتی این شاخص در این گزارش در سال ۲۰۱۳ برای ایران ۱/۰۳ که بر اساس این آمار، ایـران در جایگاه ۹۱ ام در رتبه بندی جهانی قرار دارد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

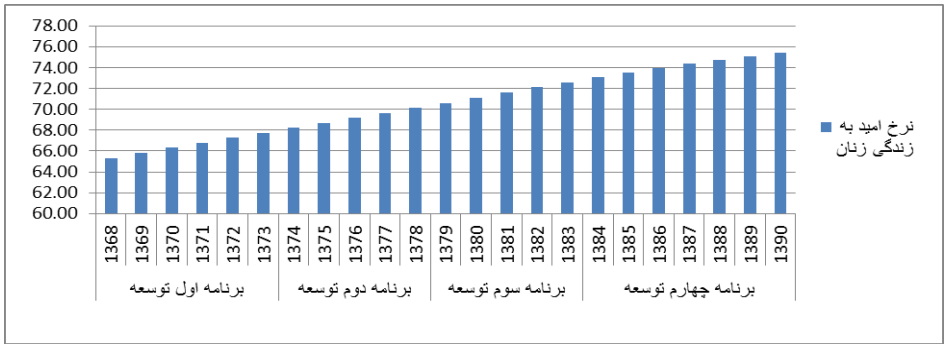

نمودار شماره‌ی یک-میزان امید به زندگی

مأخذ: بانک جهانی.

میزان باروری

بر اساس نمودار شماره‌ی دو میزان باروری در طی برنامه‌ی اول و سال‌های پس از جنگ به دلیل سیاست‌های افزایش جمعیت در حدود ۵/۱۵ بود که در انتهای همین برنامه‌ی به رقم ۳/۴۹ کاهش یافت. این روند کاهشی تا سال ۱۳۸۶ ادامه داشت و به کمترین میزان خود یعنی ۱/۸۷ رسید سپس با اندکی افزایش تا سال ۹۰ به رقم ۱/۹۱ رسید. به طور متوسط در دو برنامه‌ی آخر، این رقم کمتر از ۲ گزارش شده که ناشی از سیاست‌های کنترل جمعیت بوده است. چنین روندی با پیگیری مجدانه برنامه‌های تنظیم خانواده از طریق مراکز دولتی طی دو دهه‌ی گذشته و نیز تأکید دولت و سازمان های مرتبط در زمینه ی کنترل موالید با مخاطب قرار دادن هم‌زمان زنان و مردان همراه بوده است. با در نظر داشتن ممنوعیت قانونی و شرعی سقط جنین در ایران، کاهش میزان باروری آن هم در دوره زمانی کوتاه حاکی از تلاش‌های عامدانه دولت، پیشرفت فرهنگی و اجتماعی جامعه[۱] و نیز عاملیت کنشگران است[۲].

[۱] فروتن (۱۳۸۸) در مقاله‌ی خود به زمینه های فرهنگی تحولات جمعیت شناختی پرداخته است. از جمله با ارجاع به فولادی(۱۹۹۷) به پیشرفت های فرهنگی اجتماعی اشاره دارد که همگام با خدمات دولتی در نهایت به کاهش سریع موالید از ۱۳۶۷ به بعد انجامید.

[۲] در بررسی وضعیت باروری در کشور باید به ممنوعیت سقط جنین توجه داشت به طوری که سقط جنین تنها در موارد خاص و برای جلوگیری از تولد فرزند ناقص به تشخیص و گواهی پزشک صورت می‌گیرد. مصوباتی نیز در خصوص پیگرد قانونی اقدام به سقط جنین و یا ترغیب به آن به تازگی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

از سویی باروری موضوعی است که به هر دو جنس ارتباط دارد اما بروز استقلال طلبی، فردگرایی روزافزون و اهمیت یافتن نقش‌های اجتماعی و اقتصادی آنان به جای نقش های سنتی چون فرزند آوری و فرزند پروری می‌تواند انگیزه‌ای جدی در اقدام به کنترل بارداری از سوی آنان باشد.

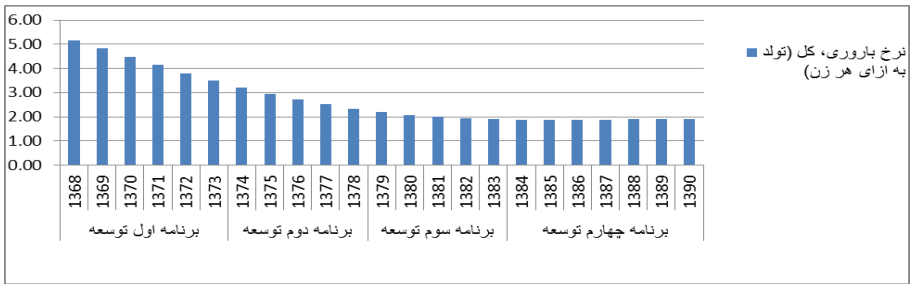

نمودار شماره ی دو- میزان باروری

مأخذ: داده‌های بانک جهانی.

شاخص میزان مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال

بهبود وضعیت کودکان و کاهش میزان مرگ و میر این گروه حاصل تلاش‌های چند وجهی از جمله بهبود شرایط بهداشتی، واکسیناسیون عمومی، دسترسی به آب آشامیدنی سالم است. البته بالا رفتن تحصیلات و سطح آگاهی مادران نیز تأثیرات خاص خود را داشته است (نمودار شماره‌ی سه). افزایش سرانه‌ی بهداشت، بالا رفتن امکانات پزشکی در درمان کودکان، اجرای برنامه‌ی مدیریت هماهنگ در زمینه‌ی ناخوشی‌های کودکان، تدوین و مدیریت برنامه‌ی سراسری کودک سالم، افزایش بیمارستان‌های تخصصی کودکان و تقویت مراقبت‌های بهداشتی و بهبود مراقبت قبل از زایمان، اهمیت یافتن تغذیه‌ی مادران و توجه به منحنی رشد کودک، تشویق به تغذیه با شیر مادر، کنترل بیماری‌های عفونی و غیر عفونی، اجباری کردن بیمه‌های درمانی، توسعه آموزش بهداشت عمومی، تداوم سیاست‌های بهداشت باروری و گسترش پوشش برنامه‌ی کودک سالم در کشور از جمله برنامه‌ی‌هایی است که در دو برنامه‌ی سوم و چهارم به آن بسیار توجه شده است. نتیجه‌ی این فعالیت‌ها موجب شده تا میزان مرگ و میر به طور متوسط در برنامه‌ی سوم به ۳۰ کودک و در برنامه‌ی چهارم به ۲۱ کودک کاهش یابد. گزارش سازمان بهداشت جهانی وضعیت مطلوبیت ایران را در این حوزه نشان می‌دهد. درحالی که میزان منطقه‌ای مرگ و میر کودکان زیر

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

۵ سال در سال ۲۰۱۱، ۵۸ نفر در هر ۱۰۰۰ تولد و میزان جهانی آن ۵۱ نفر گزارش شده، این میزان در ایران ۲۵ است. میزان مرگ و میر مادران باردار نیز در هر ۱۰۰۰۰۰ تولد در سال ۲۰۱۱ در ایران ۲۱ نفر گزارش شده که از متوسط میزان جهانی بسیار کمتر و شرایط مطلوبی را نشان می‌دهد.

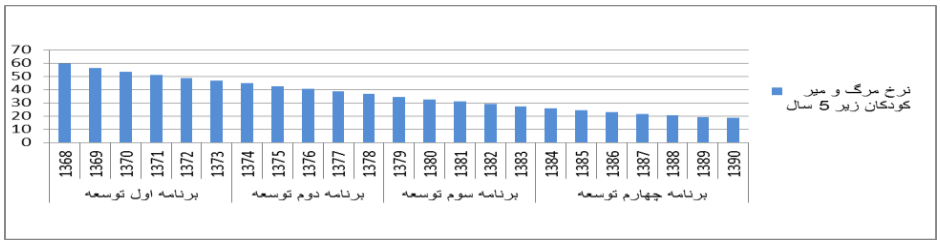

نمودار شماره‌ی سه- میزان مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال

مأخذ: سازمان ملل متحد.

اشتغال

علاوه بر کسب درآمد و ارتقای سطح معیشت، اشتغال مدخل ارتباطات میان فردی بوده و در کل بر پویایی حیات فردی و اجتماعی می افزاید. از این رو دسترسی محدود و تبعیض آمیز به فرصت‌های شغلی ضمن تحلیل توانایی های فردی و هدر رفتن هزینه های آموزشی، موجب فقر و نیز افسردگی است. در سطح ملی نیز با عدم به کارگیری نیروی کارآمد آماده‌ی به کار به عنوان مانعی برای توسعه عمل می کند. در ادامه با توجه به شاخص های معتبر، وضعیت اشتغال زنان را بررسی خواهیم کرد.

نیروی کار زنان

میزان پایین اشتغال زنان در عوامل متعددی ریشه دارد. خصوصاً فضای غالب فرهنگی و اجتماعی جوامع بر جامعه پذیری افراد تأثیر گذاشته و با استمرار الگوهای برابری و یا تبعیض جنسیتی در ایجاد فرصت های شغلی، دسترسی به آن‌ها، قوانین مرتبط، چگونگی استخدام و به کارگیری نیروی کار تأثیرگذار است. بر این اساس مطالعه‌ی وضعیت نیروی کار زنان در ایران نشان از سهم اندک آنان در بازار کار دارد. به طوری که طی برنامه‌ی اول و دوم توسعه درصد نیروی کار زنان رو به افزایش بوده و از رقم ۱۰/۶۴ درصد در سال ۶۸ به رقم ۱۲/۰۱ درصد در

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

پایان برنامه‌ی اول و از رقم ۱۲/۴۰ درصد به ۱۵/۷۶ درصد در برنامه‌ی دوم ارتقا یافته است. این روند افزایشی در طی برنامه‌ی سوم نیز ادامه یافت و به رقم ۲۰/۰۶ درصد در سال ۸۳ رسید. اما در برنامه‌ی چهارم علی رغم تأکید بسیار بر افزایش اشتغال زنان، این رقم کاهش یافته و به میزان ۱۸/۲۱ درصد در سال ۹۰ رسیده است. (نمودار شماره‌ی چهار) بر طبق گزارش شکاف جنسیتی مجمع جهانی اقتصاد، نسبت زنان به مردان در نیروی کار در سال ۲۰۰۶، ۰/۵۲ در سال ۲۰۰۸، ۰/۵۵ و در سال های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲، ۰/۴۴ گزارش شده است.

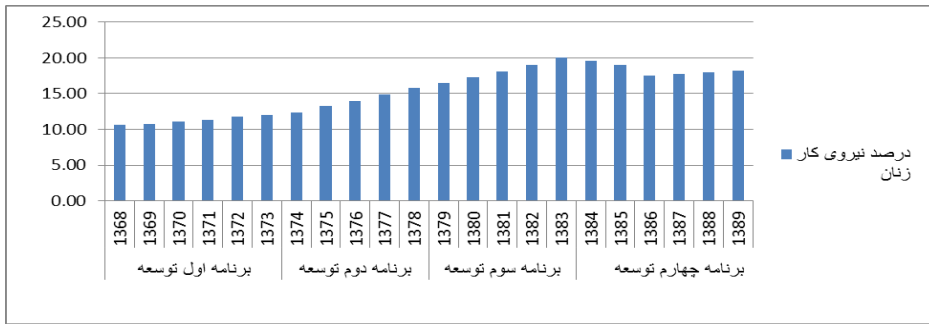

نمودار شماره‌ی چهار- درصد نیروی کار زنان

مأخذ: بانک جهانی

میزان مشارکت اقتصادی

میزان مشارکت اقتصادی عبارت است از: نسبت جمعیت فعال (شاغل یا بی‌کاری) ۱۰ ساله و بیش‌تر به جمعیت در سن کار ۱۰ ساله و بیش‌تر. هم چنان که از نمودار برمی آید در طی دو برنامه‌ی سوم و چهارم میزان مشارکت اقتصادی همواره زیر ۲۰ درصد بوده است. این میزان در بالاترین حد خود به رقم ۱۷ درصد در سال ۸۴ رسیده است و پس از آن با کاهش رو به رو گردیده و به رقم ۱۲/۶ در سال ۱۳۹۰ نزول کرده است (نمودار شماره‌ی پنج) . به طور مثال میزان مشارکت مردان در این سال۶۰/۷ گزارش شده است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

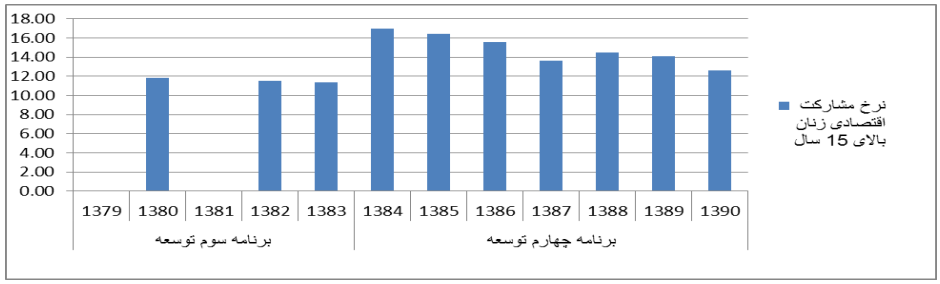

نمودار ش شماره‌ی پنج - میزان مشارکت اقتصادی زنان

مأخذ: مرکز آمار ایران، داده‌های سال ۱۳۷۹ و ۱۳۸۱ موجود نیست.

با توجه به آن که زنان نیمی از جمعیت را تشکیل می‌دهند و نیز افزایش میزان سواد و بالا رفتن تحصیلات در این میزان، اندک محسوب می‌شود؛ جدول زیر که بر اساس نسبت جنسیتی ترسیم شده به خوبی فراز و فرود میزان مشارکت زنان نسبت به مردان را نشان می‌دهد.

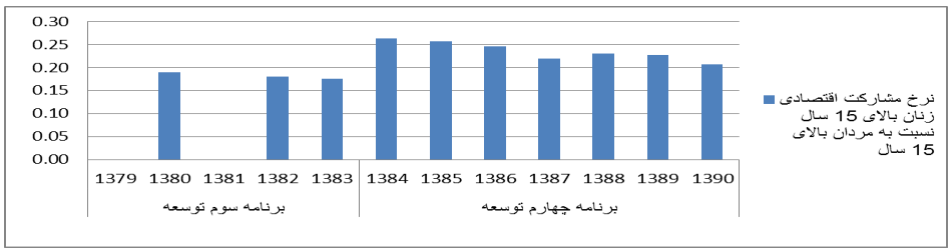

نمودار شماره ی شش- نسبت جنسیتی میزان مشارکت اقتصادی افراد بالای ۱۵ سال

مأخذ: مرکز آمار ایران

میزان بی‌کاریی زنان

برخورداری از تحصیلات عالی و نیز دارا بودن مدارک معتبر دانشگاهی در جوامع مختلف از کلیدهای دسترسی به مناصب و مشاغل مرتبط است. بی‌توجهی به این ظرفیت ها و عدم بسترسازی لازم برای به‌کارگیری زنان موجب افزایش میزان بی‌کاریی و از دست رفتن انرژی نیروی متخصص آماده‌ی به کار است. با توجه با نمودار شماره ی هفت میزان بی‌کاریی زنان در طی برنامه‌ی سوم و چهارم هرچند افت و خیزهایی داشته اما همواره بالا بوده است. در طی برنامه‌ی سوم به طور متوسط میزان بی‌کاریی ۴۲ درصد و در برنامه‌ی چهارم در طی سال‌های ۸۴ تا

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

۸۶ به رقم ۳۰/۲۰ کاهش یافت و در این جا با توجه به میزان تورم و بی‌کاریی عمومی موجود در جامعه و کاهش تقاضای نیروی کار دوباره این رقم افزایش یافت و به ۴۲/۷ درصد رسید.

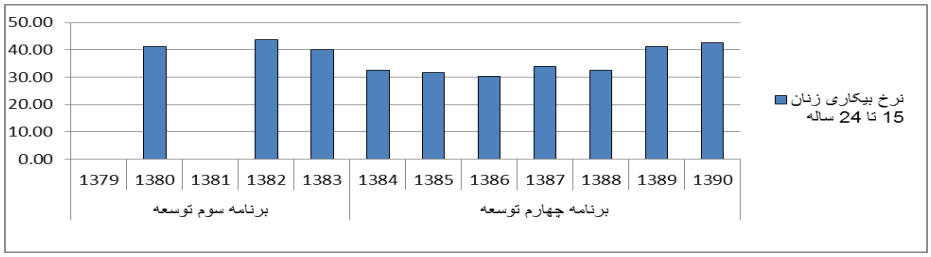

نمودار شماره‌ی هفت- میزان بی‌کاریی زنان (۱۵ تا ۲٤ ساله)

مأخذ: مرکز آمار ایران، داده‌های سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۱ موجود نیست.

مقایسه‌ی جنسیتی ارائه شده در نمودار زیر به خوبی وضعیت بی‌کاریی را بر حسب دو جنس نشان می دهد. میزان بی‌کاریی زنان در هر دو برنامه‌ی سوم و چهارم بیش‌تر از مردان بوده است به گونه‌ای که نسبت بی‌کاریی نشان می‌دهد که همواره زنان بیش از۱/۵ برابر مردان بی‌کاری بوده‌اند و حتی در شرایطی که میزان بی‌کاریی کل افزایش یافته‌است این زنان بوده‌اند که بیش‌تر متضرر شده اند. در گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ سال نیز همواره زنان بی‌کاری بیش از مردان بی‌کاری بوده‌اند. هر چند که میزان بی‌کاریی در هر دو گروه بالاست ولی در مجموع، زنان همواره شرایط وخیم تری را تجربه کرده و از بازار کار دور مانده‌اند. به گونه‌ای که در سال ۹۰، بی‌کاریی در این رده سنی برای مردان ۲۲/۹ درصد و برای زنان ۴۲/۷ درصد بوده‌است.

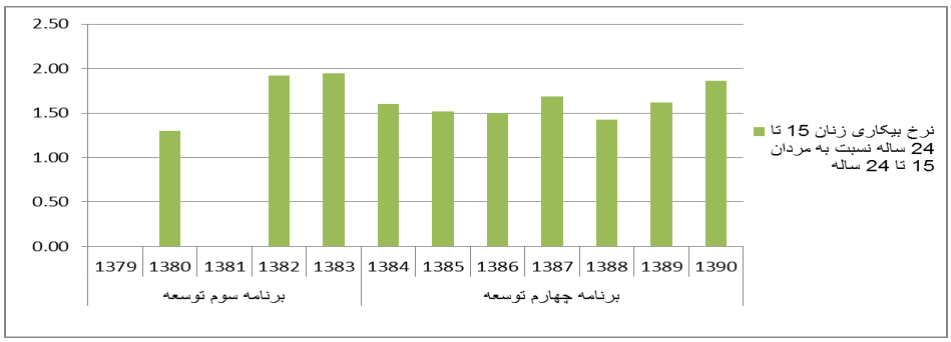

نمودار شماره‌ی هشت- نسبت جنسیتی میزان بی‌کاری

مأخذ: مرکز آمار ایران، داده‌های سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۱ موجود نیست.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

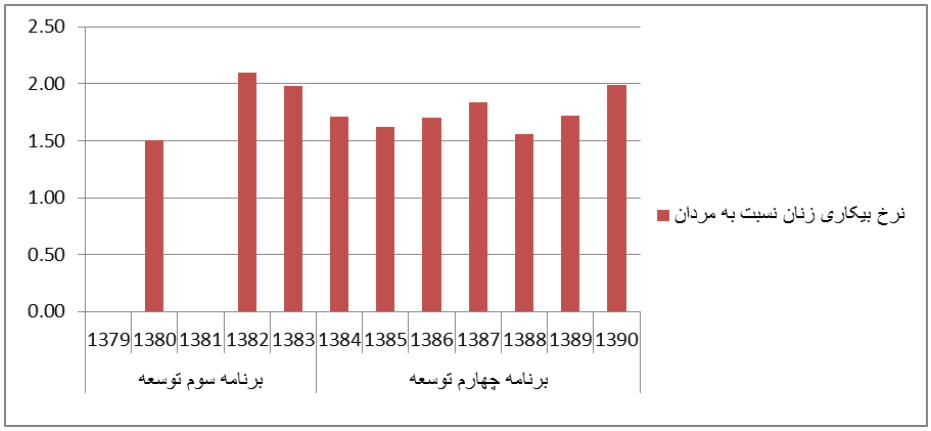

نمودار شماره‌ی نه- نسبت جنسیتی میزان بی‌کاری کل

مأخذ: مرکز آمار ایران، داده‌های سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۱ موجود نیست.

در نتیجه باید گفت اجرای برنامه‌ی چهارم توسعه نه تنها نتوانست بیش‌تر از برنامه‌ی سوم در کاهش تعداد بی‌کاریان مؤثر باشد بلکه در نهایت و در یک نگاه کلی وضعیت مشابهی را به طور میانگین برای هر دو دوره به ثبت رساند.

اشتغال زنان در بخش کشاورزی

بخش کشاورزی از جمله بخش‌هایی است که می‌تواند نیروی کار بیش‌تری را به علت عدم نیاز به تخصص، مهارت و تجربه کاری بالا به خصوص برای زنان روستایی ایجاد کند. با توجه به کاهش سودآوری این بخش در برخی فصول و پدیده ی مهاجرت مردان روستایی به شهر جهت یافتن شغل جایگزین، فرصت برای حضور زنان مهیا است. با این وجود سهم نیروی کار زنان در بخش کشاورزی در دهه ی اخیر به روشنی تقلیل یافته است. چنان‌که جمعیت زنان فعال در طی برنامه‌ی سوم بالای ۳۰ درصد بوده است که در سال ۸۳ به رقم ۳۴/۵ درصد نیز رسیده است. اما این میزان در طی برنامه‌ی چهارم با کاهش روبه‌رو شده است و به رقم ۲۶/۳ درصد نزول کرده است. (نمودار شماره‌ی ده). رشد شهرنشینی و نیز افزایش سطح تحصیلات زنان از جمله ترک سکونت‌گاه های بومی به منظور تحصیل در دانشگاه‌های دیگر شهرها از جمله عوامل مرتبط با کاهش اشتغال زنان در بخش کشاورزی است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

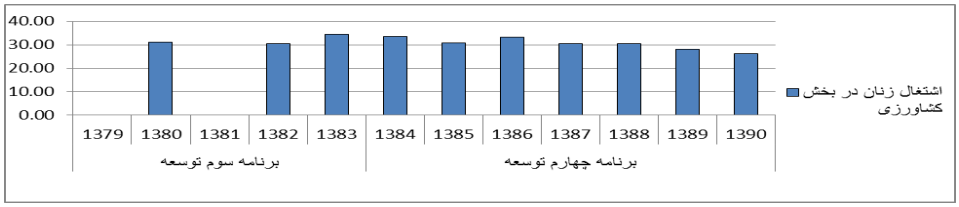

نمودار شماره‌ی ۱۰: سهم نیروی کار زنان در بخش کشاورزی

مأخذ: مرکز آمار ایران، داده‌های سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۱ موجود نیست.

هم‌چنان‌که از نمودار زیر برمی‌آید مقایسه جنسیتی میزان اشتغال زنان به مردان در بخش کشاورزی گویای آن است که علی رغم روند نزولی به طورکلی، سهم فعالیت زنان در این بخش بیش از مردان است به طوری که این نسبت در تمامی سال‌های برنامه‌ی سوم و چهارم رقمی بالاتر از ۱/۵ برابر بوده است.

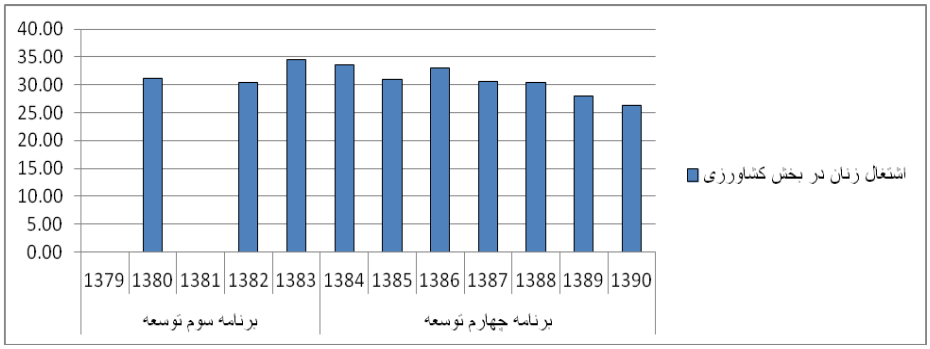

نمودار شماره ی یازده- نسبت جنسیتی سهم نیروی کار در بخش کشاورزی

مأخذ: مرکز آمار ایران، داده‌های سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۱ موجود نیست.

اشتغال زنان در بخش صنعت

در طی برنامه‌ی سوم توسعه سهم زنان در بخش صنعت نیز تجربه ی مشابهی داشت و با کاهش جدی به رقم ۲۴/۷ درصد رسید. این رقم در طی برنامه‌ی چهارم افزایش یافت و به بالاترین رقم یعنی ۳۱/۷ درصد در سال ۸۵ رسید. در سال‌های پس از آن با روندی نزولی در نهایت به رقم ۲۶/۳ درصد رسید (نمودار شماره‌ی دوازده). زنان شاغل در بخش صنعت، در صنایع

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

منسوجات، قالی بافی، نساجی و صنایع دستی فعالیت قابل توجهی دارند. بر این اساس هرگونه تهدید بر بازار جهانی این نوع اقلام، خصوصاً فرش، صنایع دستی، بر سودآوری این مشاغل مخصوصاً حضور نیروی کار و در نتیجه معیشت زنان در این حرف تأثیر دارد. در عین حال باید گفت به طورکلی بخش صنعت از جمله بخش‌هایی است که به دلیل ساختار دیوان سالار و سلسله مراتب سازمانی به اجرای قوانین اهتمام دارد. لذا ارزیابی وضعیت نیروی کار خود می‌تواند به روشنی انعکاسی از برنامه‌ریزی‌های رسمی و اجرای سیاست‌های مدون باشد.

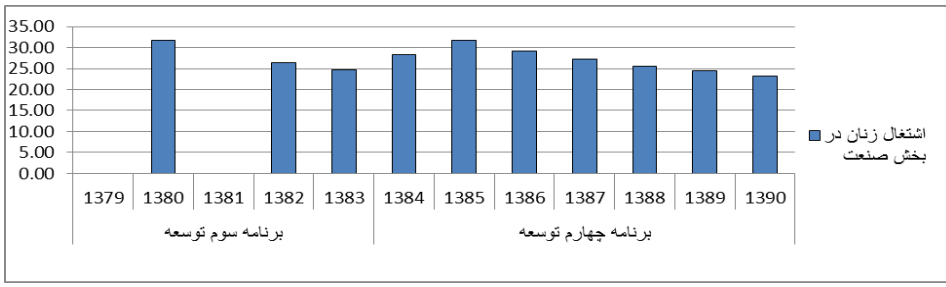

نمودار شماره‌ی دوازده- سهم نیروی کار زنان در بخش صنعت

مأخذ: مرکز آمار ایران، داده‌های سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۱ موجود نیست.

مطالعه‌ی تطبیقی میزان اشتغال زنان به مردان در بخش صنعت به کمک نمودار زیر نشان می‌دهد تا سال ۸۵ سهم زنان و مردان به یک‌دیگر نزدیک بوده‌است و تقریباً به طور برابر مشغول فعالیت در این بخش بوده‌اند. اما با گذر ۴ سال این نسبت به رقم ۶۶ درصد نزول کرد. با توجه به اطلاعات آماری سال ۹۰ که میزان مشارکت مردان در آن ۳۵/۲درصد و زنان ۲۳/۳ درصد گزارش شده و با توجه به روند میزان اشتغال هر کدام از دو جنس، می‌توان دریافت که این سهم زنان بوده که رو به کاهش گذاشته است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

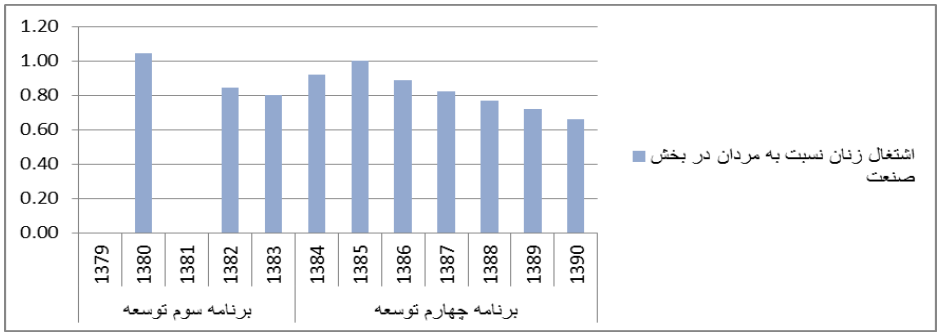

نمودار شماره‌ی سیزده- نسبت جنسیتی سهم نیروی کار در بخش صنعت

مأخذ: مرکز آمار ایران، داده‌های سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۱ موجود نیست.

اشتغال زنان در بخش خدمات

بخش خدمات بیش‌ترین نیروی کار زنان را در خود جای داده است. در برنامه‌ی سوم قریب به ۴۰ درصد و در برنامه‌ی چهارم نزدیک به ۴۴ درصد زنان در این بخش فعالیت نموده‌اند که می‌توان روند افزایشی آن را در نمودار به وضوح دید (نمودار شماره‌ی چهارده). توضیح آن‌که این بخش از جمله بخش‌هایی است که می‌تواند ارزش افزوده بالایی را ایجاد نماید و لذا توانسته‌است در جذب نیروی کار زنان نسبت به سایر بخش‌ها موفق‌تر عمل نماید.

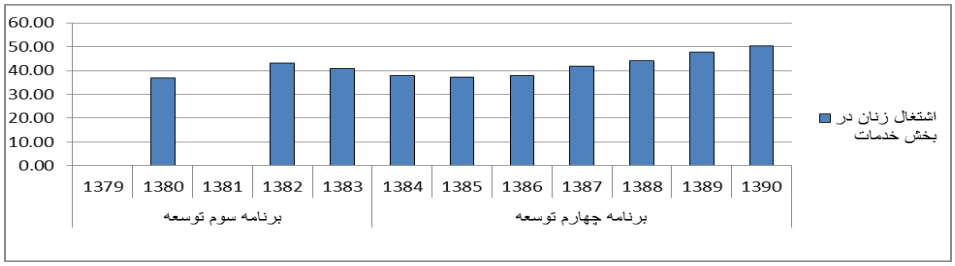

نمودار شماره‌ی چهارده- سهم نیروی کار زنان در بخش خدمات

مأخذ: مرکز آمار ایران، داده‌های سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۱ موجود نیست.

بخش خدمات تنها بخشی است که زنان در آن میزان رو به رشدی را تجربه کرده‌اند. خصوصاً در مقایسه با نسبت جنسیتی در بخش صنعت، این بخش بهبود قابل توجه وضعیت زنان را نشان

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

می‌دهد. زیرا زنان علاوه بر افزایش نسبت اشتغالشان نسبت به مردان در این بخش، توانسته‌اند سهم بیش‌تری را در اشتغال در این بخش کسب کنند و حتی در سال ۹۰ با کسب ۵۰/۴ درصد مشارکت نسبت به سهم ۴۷/۶ درصدی مردان این نسبت را به میزان ۱/۰۶ نیز رسانده‌اند که این رقم در طی دو برنامه‌ی بالاترین رقم گزارش شده است.

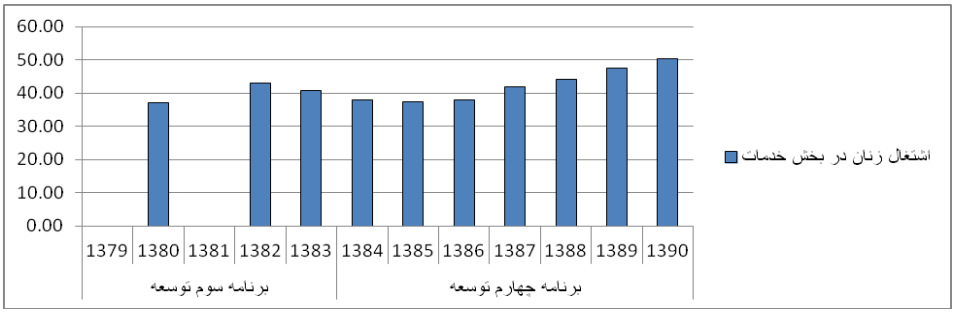

نمودار شماره‌ی پانزده- سهم نیروی کار زنان در بخش خدمات

مأخذ: مرکز آمار ایران، داده‌های سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۱ موجود نیست.

آموزش

آموزش همگانی موضوعی جهانی است که در اجلاس‌های بین المللی و نیز برنامه‌های سازمان ملل مطرح و از سوی اکثر کشورهای عضو دنبال شده است. هرچند قواعد و رسوم اجتماعی در برخی جوامع به صورت نهادینه به دنبال ایجاد محدودیت برای آموزش دختران و محرومیت آنان از دسترسی به فرصت های رایج و معمول است اما باید توجه داشت که ایجاد و افزایش فرصت یادگیری و نیز بهبود کیفیت آن یک ضرورت انسانی است که باید به صورت متعادل و برابر، در دسترس تمام افراد جامعه به ویژه گروه‌های اقلیت قرار گیرد. در ادامه ضمن توجه به نسبت جنسیتی در سطح آمادگی، ابتدائی، متوسطه و هم چنین در مقطع آموزش عالی، به بررسی شاخص باسوادی در کشور پرداخته می‌شود.

نسبت ثبت نام دختران به پسران در مقطع آمادگی

این نسبت در کشور ما به نفع دختران و بالاتر از یک است. در حقیقت نسبت جنسیتی ثبت نام در طول برنامه‌های اول تا چهارم به گونه‌ای بوده است که می‌توان گفت حضور هر دو جنس به

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

نسبت یکسان بوده است. این میزان به طور متوسط در برنامه‌ی سوم ۱/۰۳ و در برنامه‌ی چهارم با افزایش حضور دختران، ۱/۰۶ بوده‌است. (نمودار شماره ۱۶).

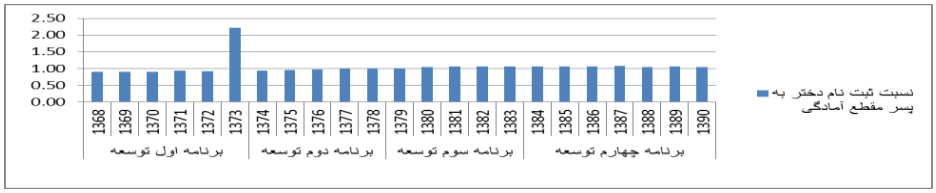

نمودار شماره‌ی شانزده- نسبت ثبت نام دختران به پسران در مقطع آمادگی

مأخذ: مرکز آمار ایران

نسبت ثبت نام دختران به پسران در مقطع ابتدائی

آنچه که از نمودار شماره‌ی هفده می‌توان مشاهده نمود آن است که در برنامه‌ی سوم توسعه این نسبت از رقم ۰/۹۱ به ۰/۹۳ افزایش یافته و در برنامه‌ی چهارم در نسبت ۰/۹۴ باقی مانده است، که نشان دهنده ثبت نام به نسبت برابر دختران و پسران در مقطع ابتدایی است.

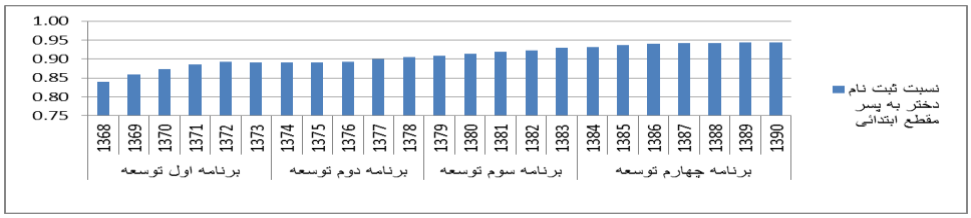

نمودار شماره‌ی هفده- نسبت ثبت نام دختران به پسران در مقطع ابتدائی

مأخذ: مرکز آمار ایران.

رشد نسبت ثبت نام دختران به پسران در مقطع راهنمایی گویای حضور رو به فزونی دختران در این مقطع است. به گونه‌ای که در مقطع راهنمایی از رقم ۰/۸۳ در سال ۷۹ به رقم ۰/۹۱ در سال ۹۰ رسیده است. اما در مقطع دبیرستان با کاهش ثبت نام دختران در برنامه‌ی چهارم نسبت به برنامه‌ی سوم توسعه روبه‌رو بوده‌ایم. به طوری که در برنامه‌ی سوم این نسبت برابر ۰/۹۷ و در سال‌های برنامه‌ی چهارم به رقم ۰/۸۹ درصد کاهش یافته است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

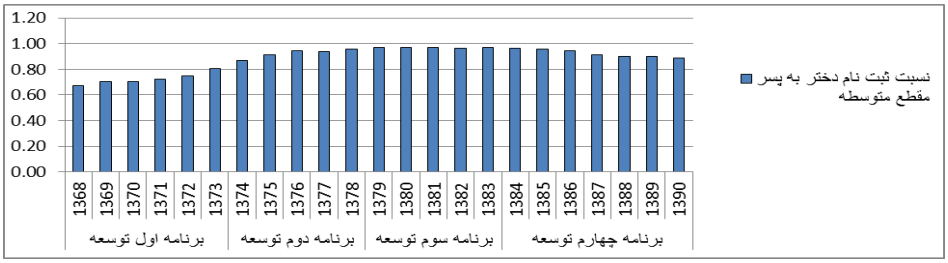

نمودار شماره‌ی هجده- نسبت ثبت نام دختران به پسران در مقطع متوسطه

مأخذ: مرکز آمار ایران.

سوادآموزی

تلاش در جهت رفع شکاف جنسیتی و بهبود وضعیت زنان در حوزه‌ی سوادآموزی از جمله نقاط مثبت در کارنامه‌ی توسعه‌ی انسانی ایران است. روند کلی حاکی از افزایش میزان با سوادی زنان در دو دهه‌ی گذشته است به طوری‌که از رقم ۶۷/۱۰ درصد در سال ۷۰ به رقم ۸۱/۱ درصد در سال ۹۰ ارتقا یافته‌است. با این وجود در مقایسه با میزان با سوادی مردان در سال ۹۰ که ۸۸/۳۹ درصد اعلام شده‌است، ابقای شکاف جنسیتی هرچند به میزان اندک را نشان می‌دهد. بر این اساس و در راستای امواج جهانی ریشه کنی بی سوادی، تلاش‌ها باید معطوف به رفع این نابرابری شود.

تحصیلات عالی

درباره‌ی تحصیلات عالی باید گفت نسبت جنسیتی در این زمینه نشان می‌دهد که زنان از زمینه ی لازم برای ادامه تحصیل برخوردارند. نسبت زنان به مردان در تمامی مقاطع مراکز آموزش عالی در طی برنامه‌های اول تا سوم روند رو به رشدی داشته و از رقم ۰/۳۸ در سال ۶۹ به رقم ۱/۰۴ در سال ۸۳ رسیده‌است. در دو سال ۸۴ و ۸۵ این نسبت با ادامه ی روندی صعودی، به رقم ۱/۱ رسیده‌است. اما در ادامه با کاهش شدیدی روبرو شده و در سال ۸۷ به رقم ۰/۷۵ و در سال۸۹ به ۰/۹۸ رسیده است. نمودار شماره (۱۹)

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

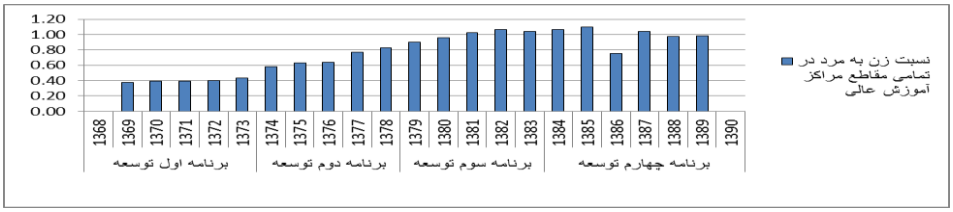

نمودار شماره‌ی نوزده- نسبت زن به مرد در تمامی مقاطع در تمامی مراکز آموزش عالی

مأخذ: مرکز آمار ایران.

در زمینه‌ی توزیع دانشجویان به تفکیک گروه‌های اصلی که در نمودار زیر آمده است می‌توان گفت که در گروه پزشکی نسبت زنان به مردان همواره به شکل قابل ملاحظه‌ای بالا بوده‌است. آن‌چه که از نمودار برمی‌آید این است که در برنامه‌ی اول از رقم ۰/۷۱ به رقم ۱/۳۷ در ابتدای برنامه‌ی دوم افزایش یافته و در ادامه تا سال ۸۳ به رقم ۲/۷۸ رسیده‌است، اما به عللی از جمله تغییر سیاست‌های آموزشی و اولویت یافتن سهمیه بندی جنسیتی این نسبت کاهش یافت و به رقم ۱/۶۹ در سال ۸۶ رسید؛ سپس دوباره این نسبت رشد یافت و به رقم ۲/۱۸ در سال ۹۰ افزایش یافت (نمودار شماره‌ی بیست).

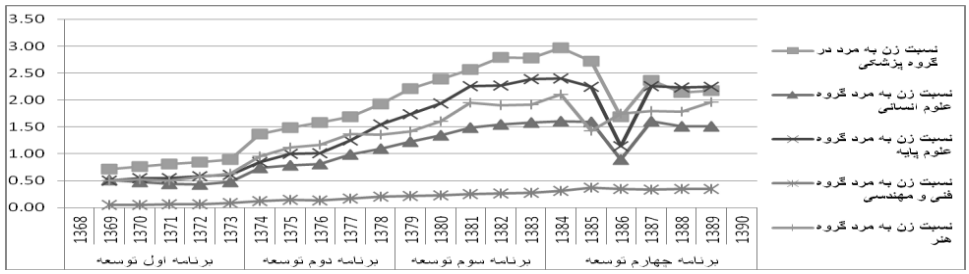

نمودار شماره‌ی بیست- نسبت زنان به مردان در گروه‌های پزشکی، علوم انسانی، علوم پایه، فنی و مهندسی و هنر

مأخذ: مرکز آمار ایران.

در گروه‌های علوم انسانی، علوم پایه، کشاورزی، مهندسی و هنر نیز شاهد وضعیت مشابهی هستیم (نمودار شماره‌ی بیست).

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

در یک نگاه کلی باید گفت افزایش تعداد زنان شاغل به تحصیل نسبت بـه مـردان بـیش‌تـر در گروه‌های پزشکی، علوم پایه و سپس علوم انسانی رخ داده است. علاوه بر ایـن، در طـول اجـرای برنامه‌ی های سوم و چهارم توسعه در زمینه‌ی تحصیلات عالی شاهد روند رو به رشـدی هسـتیم، البته این نسبت در سال ۱۳۸۷ در مقطع کارشناسی ارشد و در سال ۸۵ در مقطع دکترای تخصصـی کاهش قابل توجهی را نشان می‌دهد (نمودار شماره‌ی بیست و یک و بیست و دو).

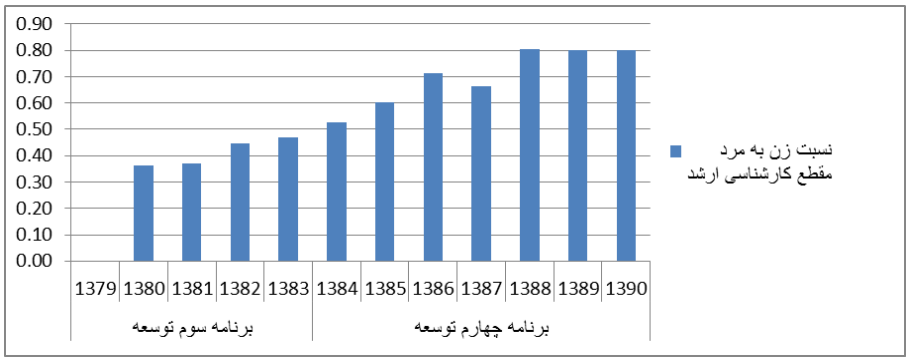

نمودار شماره‌ی بیست و یک- نسبت زنان به مردان در مقطع کارشناسی ارشد

مأخذ: مرکز آمار ایران

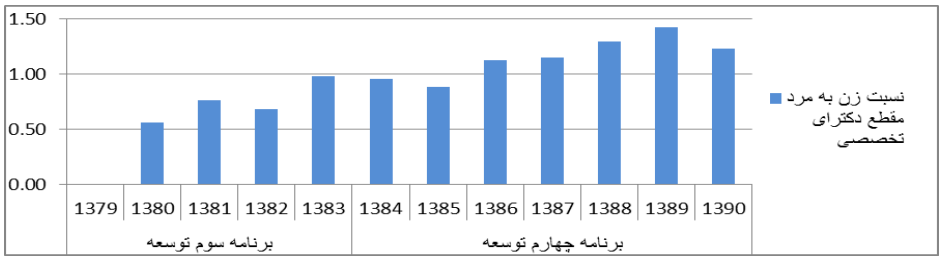

نمودار شماره‌ی بیست و دو- نسبت زنان به مردان در مقطع دکتری تخصصی

مأخذ: مرکز آمار ایران

تعداد کرسی‌های نمایندگی در مجلس

در دوره‌ی برنامه‌ی دوم نسبت تصدّی کرسی‌های مجلـس توسـط زنـان ۴/۹ درصـد بـود کـه بالاترین میزان در طول ۴ دوره می‌باشد. در دوره برنامه‌ی سوم این میزان به رقم ۴/۱ کاهش یافـت

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

و در دوره برنامه‌ی چهارم به ۲/۸ تنزل یافت. (نمودار شماره‌ی بیست و سه). ایـن امـر نشـان مـی دهد مشارکت سیاسی زنان در قالب نمایندگی مجلس، افت قابل توجهی یافته است. این در حـالی است که در برنامه‌ی چهارم توسعه تأکید فراوانی بر حضور پر رنگ تر زنان در عرصه‌های مختلف از جمله سیاست و قانون گذاری شده بود.

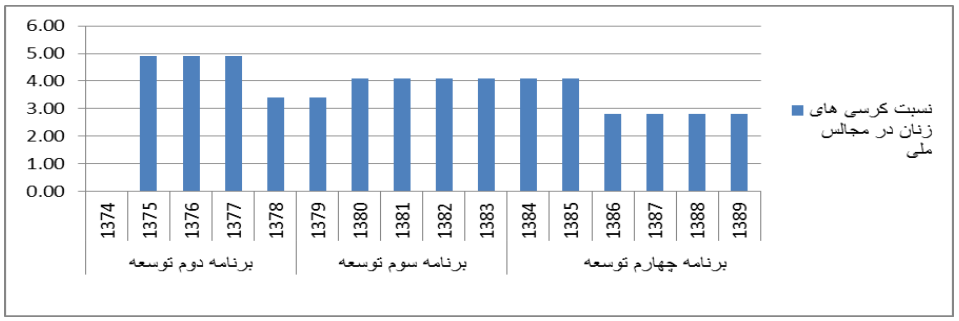

نمودار شماره‌ی بیست وسه- نسبت زنان به مردان در تعداد کرسی‌های مجلس

مأخذ: بانک جهانی

نتیجه گیری

مطالعه‌ی جنسیتی مواد برنامه‌ی چهارم توسعه به تنهایی و نیز در ارتباط با سایر برنامه‌ی‌های توسعه از جمله مهم‌ترین دستاوردهای این مقاله است. بررسی‌ها نشان داد میان برنامه‌ی‌ریزان برنامه‌ی سوم و چهارم توسعه از منظر مذکور تفاوت عمیقی وجود دارد. مهم‌ترین ماده‌ی برنامه‌ی چهارم؛ ماده‌ی ۱۱۱، دولت را به پیگیری اهداف برنامه‌ی درباره‌ی زنان موظف می‌سازد. به طوری‌که در تبصره‌ی این ماده‌ی، کلیه‌ی دستگاه‌های اجرایی موظف شده‌اند تحقق اهداف برنامه‌ی که در این ماده‌ی لحاظ شده است را با همکاری مرکز امور مشارکت زنان به انجام رسانند. حال آن‌که در برنامه‌ی سوم و به طورخاص در ماده‌ی شاخص آن؛ ماده‌ی ۱۵۸ اهداف دولت درباره‌ی زنان در چارچوب اهداف مرکز امور مشارکت مطرح شده است.

در ماده‌ی ۱۱۱، زنان فارغ از جنسیت خود به عنوان فردی از آحاد ملت، دارای قابلیت و استعداد دانسته شده و با توجه به موضوعاتی چون نیازهای جامعه و تحولات فناوری مورد توجه قرارگرفته و بر تقویت مهارت‌های آنان تأکید شده‌است. بر این اساس اهتمام به شناخت و بهینه سازی زیرساختی اشتغال زنان و نیز ترکیب جنسیتی بازارکار بیش از همه دلالت بر اهمیت بهبود

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

شاخص‌های اقتصادی مربوط به آنان دارد. هرچند موضوع رفع خشونت علیه زنان و نیز ارتقای کیفیت زندگی زنان به نوعی ناظر بر شاخص های رفاهی است، اما با توجه به تعداد مقوله‌های مرتبط با اشتغال باید گفت التزام به تغییر شرایط موجود و تأمین وضعیت مطلوب اقتصادی بر سایر موارد سایه افکنده‌است. در مقام بعد به لزوم تغییرات فرهنگی و تحول نگرش عمومی به شایستگی‌های زنان توجه شده، که به نوعی فراخوانی برای تغییر فرهنگ عمومی نگرش‌ها و ایستارها است.

مطالعه این بند و مقایسه آن با بند الف ماده‌ی ۱۵۸ برنامه‌ی توسعه،گویای آن است که مهم‌ترین دغدغه در برنامه‌ی چهارم توسعه موضوع اشتغال زنان و ارتقا جایگاه اقتصادی آنان در جامعه بوده و اگر سخن از اصلاح نگرش های عمومی نسبت به زنان است، این اصلاح نگرش بر حسب تکرار مضامین مرتبط در این بند، معطوف به تصدی مناصب اقتصادی است. علاوه بر آن شمول موضوع توجه به ترکیب جنسیتی عرضه نیروی کار، دلالت بر به رسمیت شناختن کار زنان در کنار مردان و دقت در به کارگیری ظرفیت‌های نیروی کار زنان است؛ موضوعی که تا پیش از آن در مواردی نه تنها شایسته دانسته نمی‌شد، بلکه در سایه نقش نان آوری مردان گاه بی اهمیت، گذرا و تفننی تلقی می‌شد.

اهمیت دادن به نقش اجتماعی زنان و نیز تأنی به فعالیت‌های اقتصادی آنان و هم چنین ایجاد بسترهای مناسب رفاهی، خدماتی و نیز آموزشی از سایر مفاد برنامه‌ی مذکور قابل احصا است: اولویت تجهیز مدارس دخترانه در ماده‌ی ۵۲، اولویت آموزش ضمن خدمت زنان در دستگاه‌های دولتی مندرج در ماده‌ی ۵۴، تکیه بر تدوین و تصویب طرح جامع توان‌مند سازی و حمایت از حقوق زنان در ماده‌ی ۹۸، تأکید بر توجه ویژه به تشکل‌های اجتماعی در زمینه‌ی صیانت از حقوق کودکان و زنان در ماده‌ی ۱۰۰، تساوی مزدها برای زنان در مقابل مردان، توان‌مند سازی زنان از طریق دستیابی به فرصت های شغلی مناسب مندرج در ماده‌ی ۱۰۱، توان‌مند سازی زنان در بخش تعاونی در ماده‌ی ۱۰۲، اولویت توسعه اماکن سرپوشیده برای دختران در ماده‌ی ۱۱۷ . تمامی این موارد، نهایت تلاش ساز و کارهای اصلاح طلبان در پاسخ گویی به مطالبات زنان ضمن درک

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

استعدادها و توانایی های آنان است و تداعی کننده اقدامات ایجابی در جهت ساماندهی آن‌چه اصطلاحاً تبعیض مثبت[۱] دانسته می‌شود، به شمار می‌رود.

در سمت و سوی دیگر این پژوهش، واقعیت‌هایی است که در دوره‌ی اجرای برنامه‌ی چهارم توسعه‌ی کشور به وقوع پیوسته و اطلاعات آنان در قالب آمارهای جهانی و نیز ملی انتشار یافته است. در مجموع آمارهای یاد شده، شاخص‌های اصلی توسعه‌ی انسانی، مشتمل بر آموزش، بهداشت و اقتصاد ارائه و بررسی شد.

بررسی‌ها نشان داد در زیر موضوع بهداشت، میزان امید به زندگی در فاصله اجرای برنامه‌ی، رشد یافته و در طول اجرای برنامه‌های چهارگانه توسعه قریب به یک دهه بر امید به زندگی در میان زنان افزوده شده است. کاهش میزان باروری نیز با توجه به سیاست کنترل جمعیت دولت از یک سو و عاملیت کنشگران به خصوص زنان که با گرایش‌ها و ایستارهای متفاوتی نسبت به گذشته به زندگی خود می نگرند، دور از انتظار نیست. به‌طوری‌که می بینیم طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۸۰ در حدود یک نفر از بعد خانوار کم شده و در طول دهه‌ی ۸۰ نیز چنین وضعیتی تثبیت شده است. علاوه بر این باید به هم آیی تغییرات اجتماعی فرهنگی و اِعمال سیاست جمعیتی در یک دوره زمانی نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل کاهش سریع میزان باروری اشاره داشت. فروتن می‌نویسد: «پیدایش یک محیط فرهنگی جدید که موافق و همساز با بعد محدود خانواده بود، فرصت مغتنمی را فراهم آورد تا در سایه‌ی آن خدمات حکومتی کنترل جمعیت با استقبال عامه مردم مواجه گردد. در این مرحله باورهای سنتی در خصوص الگوهای ازدواج و باروری دستخوش تغییرات اساسی گردید و ایده هایی هم چون ازدواج در سنین پایین و داشتن بچه های بیش‌تر از سوی نسل های جدید مورد تجدید نظر جدی قرار گرفت. در نتیجه در چنین شرایط مساعد فرهنگی اجتماعی، برنامه‌ی‌های کنترل موالید به عنوان ابزارهای مناسب بعد کوچک{سازی} خانواده به گرمی مورد استقبال قرار گرفتند»(فروتن، ۱۳۸۸: ۱۰۷). به علاوه کاهش میزان مرگ و میر کودکان زیر پنج سال هم به خودی خود و هم در رابطه با کاهش اساسی و سریع باروری در ایران قابل توجه است. چنان که دیدیم این میزان به یک سوم میزان اولیه تقلیل یافته است.

[۱] تبعیض مثبت معادل affirmative action و به اتخاذ سیاست و روشی برای اصلاح رویه‌های تبعیض‌آمیز در برابر اقلیت‌های نژادی، زنان، از کارافتادگان و سایر گروه‌هایی اطلاق می شود که در طول تاریخ، از برخی یا بسیاری مزیت‌های اجتماعی بی‌بهره مانده‌اند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

در حوزه‌ی آموزش و شاخص‌های زیر آن شاهد حضور فزاینده‌ی زنان هستیم. در طول برنامه‌ی‌های چهارگانه توسعه حضور دختران در همه‌ی مقاطع آموزش عمومی رشد داشته است. تنها مقطع دبیرستان است که در سال‌های اجرای برنامه‌ی چهارم توسعه، افت ثبت نام دختران نسبت به پسران را گزارش می‌دهد. هرچند در مقطع راهنمایی شکاف جنسیتی تا اندازه‌ی قابل توجهی ترمیم یافته اما ثبت‌نام کنندگان آن در بهترین حالت، ۹۵ درصد از کل مشمولین تحصیل در این مقطع را شامل می شوند. با وجود رشد میزان باسوادی زنان در طول دهه‌ی ۷۰ و ۸۰، تداوم شکاف جنسیتی به نفع مردان، دعوتی به تلاش بیش‌تر جهت ریشه کنی بی سوادی معطوف به هر دو جنس است.

در زمینه‌ی آموزش عالی نه تنها نسبت زنان به مردان در تمامی مقاطع آموزشی بهبود یافته بلکه شکاف جنسیتی در مقاطعی در سال های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۵ و نیز سال ۱۳۸۷ به نفع زنان تعدیل یافته است. با آن‌که نسبت زنان شاغل به تحصیل در گروه‌های مختلف آموزشی از اوایل دهه‌ی هفتاد سیر صعودی داشته، با آغاز دوره‌ی اجرای برنامه‌ی چهارم توسعه، نسبت دانشجویان زن به مرد سقوط ناگهانی را به ترتیب در گروه های آموزشی هنر، علوم انسانی، علوم پایه و پزشکی نشان می دهد. روندی که در سال‌های پایانی دهه‌ی ۸۰ تا اندازه‌ای بهبود یافته اما به غیر از گروه علوم انسانی، هرگز نتوانسته میزان‌های تحقق یافته در طول برنامه‌ی سوم توسعه را تجربه کند. گروه فنی و مهندسی تنها گروهی است که علی رغم تغییرات جمعیتی سایر گروه‌ها، هم چنان پذیرای تعداد به مراتب بیش‌تری از مردان در مقایسه با زنان است. این گروه نیز روند رو به رشد حضور زنان را تجربه کرده، اما در بهترین وضعیت (سال ۱۳۸۴) نسبت مردان سه برابر زنان گزارش شده است.

بر این اساس باید گفت اجرای سیاست سهمیه بندی جنسیتی به طورکلی و در مورد گروه فنی و مهندسی به‌طور خاص که از جمله سیاست‌های آموزش عالی ایران در دهه‌های گذشته بوده، در دوره‌ی زمانی برنامه‌ی چهارم توسعه در قالب دستورالعمل‌ها و آیین نامه‌های اجرایی تخصیص اولویت ظرفیت دانشگاه‌ها به پسران، رسماً اجرا و دنبال شده است. بنابراین شاید در نگاه کلی بتوان تعدیل شکاف جنسیتی به نفع دختران در حوزه‌ی آموزش عالی را بر اساس توانایی‌ها، استعدادها و تلاش‌های آنان مورد تحسین قرار داد اما نباید در تحلیل‌ها از سیاست‌های سهمیه بندی به عنوان عاملی بازدارنده از یک سو و از سوی دیگر اولویت یافتن کسب سرمایه‌ی اقتصادی بر سایر انواع سرمایه در نزد پسران و گرایش آنان به اشتغال و بی انگیزگی در تحصیل غفلت کرد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

در مقاطع تحصیلات عالی خصوصاً مقطع دکتری نیز شاهد روند صعودی حضور زنان هستیم، به طوری که شکاف جنسیتی به نفع زنان کاهش یافته است. اگر در ابتدای دهه‌ی ۸۰، نسبت زنان دانشجو در این مقطع نصف مردان شاغل به تحصیل بود، در پایان این دهه نسبت زنان دو برابر مردان شده است.

بر خلاف دو حوزه‌ی بهداشت و آموزش، شکاف جنسیتی در طول اجرای برنامه‌ی چهارم توسعه در زمینه‌ی اشتغال و سیاست عموماً تشدید شده است. در زیر مؤلفه ی سیاست، تعداد کرسی‌های زنان در مجلس نسبت به همتایان مرد خود به نصف تقلیل یافته است. روند حاکم بر تصدی گری زنان در مجلس شورای اسلامی قطعاً رو به نزول بوده و تأثیرات عمیق خود را در تقلیل جایگاه جهانی ایران از لحاظ شاخص توان‌مندسازی زنان بر حسب جنسیت[1] به جا گذاشته است.

در زمینه‌ی اشتغال باید گفت هر چند روند حاکم گویای تعدیل شکاف جنسیتی در مقایسه با مدت زمان اجرای برنامه‌ی سوم توسعه است، اما این روند دوام چندانی نداشته و دوباره با تقلیل فعالیت اقتصادی زنان، سیر نزولی یافته است. میزان مشارکت اقتصادی زنان بالای ۱۵ سال در بهترین وضعیت (سال ۱۳۸۴) ۱۷درصد بوده است. میزان بی‌کاری زنان در پایان دهه‌ی ۸۰ دو برابر مردان گزارش شده است. این در شرایطی است که علی رغم افزایش میزان بی‌کاری کل، باز این زنان هستند که از فرصت‌های اشتغال به دور مانده اند.

از لحاظ اشتغال در بخش‌های سه گانه باید گفت نسبت اشتغال زنان به مردان در بخش کشاورزی از بخش خدمات و نیز صنعت بالاتر است. به‌طوری‌که شکاف جنسیتی در بخش کشاورزی (که نیاز به کار ساده دارد) در طول برنامه‌ی چهارم توسعه به سمت زنان تعدیل شده است. بخش صنعت درست در مقابل بخش خدمات تجربه‌ی معکوسی از حضور زنان در طول اجرای برنامه‌ی چهارم نشان داده است. درحالی که میزان اشتغال زنان نسبت به مردان در بخش خدمات روند صعودی داشته و به تعدیل شکاف جنسیتی به نفع زنان در پایان دهه‌ی ۸۰ انجامیده است، نسبت جنسیتی اشتغال در بخش صنعت در طول اجرای برنامه‌ی چهارم توسعه تقریباً نصف شده است.

در تحلیل این بخش باید گفت هرچند بی‌کاریی بیماری مزمن اقتصادی اجتماعی ایران است، اما زنان بیش از مردان از این وضعیت رنج می‌برند و تعداد بیش‌تری از آنان در مقایسه با مردان از

[1] Gender Empowerment Measure (GEM)

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

دسترسی به فرصت‌های اشتغال محروم‌اند. با آن‌که تورم فزاینده و نیز تحریم‌های بین المللی در توقف کار و یا ایجاد محدودیت‌های مقطعی بخش‌های مختلف اقتصادی خصوصاً صنعت تأثیرگذار بوده است، اما این زنان بوده‌اند که از واحدهای صنعتی کنار گذاشته شده‌اند. درعوض بخش کشاورزی که نیاز به نیروی کار ساده و غیرتخصصی داشته است، توانسته بازارکار هم چنان مهیایی را برای زنان دارای پایگاه اجتماعی اقتصادی پایین؛ از جمله زنان روستایی با توجه به فقدان حضور مردان و مهاجرت آنان به شهر در جستجوی کار فراهم آورد. و البته اشتغال در این بخش نسبت به اشتغال در بخش صنعت از مزایا و امنیت شغلی پایین‌تری برخوردار است. نسبت جنسیتی در بخش خدمات تا اندازه ای به نفع زنان مرتفع شده است که خود می‌تواند با توجه به زمینه های هماهنگ با مقتضیات امروز زندگی زنان، سرشار از فرصت دانسته و بسیار مؤثر تلقی شود. با این حال این رشد در دوره‌ی زمانی مذکور هرگز به اندازه رشد نسبت جنسیتی در بخش کشاورزی نبوده است.

از سوی دیگر باید گفت دستیابی به سطوح تحصیلات بالاتر که نقش تعیین کننده‌ای در احراز مناصب شغلی دارد نتوانسته است تأثیری در جایابی زنان در بازار کار داشته باشد. حال آن‌که انتظار می رفت با افزایش تعداد زنان تحصیل کرده به خصوص در سطح آموزش عالی، میزان مشارکت اقتصادی آنان در شهر و روستا افزایش یابد. اما این وضعیت در طول اجرای برنامه‌ی‌های چهارگانه‌ی توسعه، به خصوص برنامه‌ی چهارم مشاهده نشده است.

بنابراین با آن‌که کوتاهی مدت زمان اجرای برنامه‌ی های توسعه، امکان مطالعه تطبیقی را دشوار می‌سازد اما در همین مدت زمان کوتاه نیز می توان به خوبی روندها را از یک‌دیگر بازشناخت. در خصوص دستیابی به مفاد برنامه‌ی توسعه می‌توان دید هرچند وضعیت زنان در زیر شاخص‌های بهداشت و آموزش بهبود یافته‌است اما باید دانست مفاد برنامه‌ی چهارم عموماً متوجه تغییر این شاخص ها نبود. مهم‌ترین محور جنسیتی برنامه‌ی چهارم توسعه؛ ایجاد ساز و کارهایی برای جلب مشارکت هرچه بیش‌تر زنان در فرایند توسعه به ویژه افزایش ساختارهای سرمایه گذاری در فرصت‌های اشتغال‌زا و نیز توجه به ترکیب جنسیتی عرضه نیروی کار در جهت افزایش اشتغال و کسب استقلال اقتصادی، در واقعیت محقق نشده‌است. اشتغال نسبت به سایر مؤلفه‌های مطرح شده از جمله رفع خشونت علیه زنان و یا تنظیم لوایح مربوط به تحکیم خانواده وجه عملیاتی بارزی دارد و به خوبی قابل بررسی است. به بیان دیگر توان‌مندسازی اجتماعی اقتصادی زنان که با فراهم آوردن زمینه اشتغال آنان و نیز ارتقای مهارت شغلی و افزایش کارایی آنان، جان مایه‌ی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

توسعه از منظر جنسیت بوده و در پرتوی گفتمان اصلاح طلبی بروز و نمود یافته است، نتوانست در عمل تحقق یابد.

در زمینه‌ی افزایش مشارکت اجتماعی سیاسی نیز که برنامه‌ی چهارم با پذیرش منشور حقوق شهروندی زنان به دنبال ایجاد بسترهایی برای مشارکت زنان، حمایت از ایجاد و گسترش سازمان های غیردولتی، نهادهای مدنی و تشکل‌های زنان در نظر داشت، بایدگفت در مدت زمان اجرای برنامه‌ی چهارم اطلاعاتی از تعداد و چگونگی فعالیت و وضعیت این سازمان‌ها قابل احصا نیست. اما در این بخش کاهش چشمگیر مشارکت سیاسی زنان در زیر شاخص تصدی گری نمایندگی مجلس به عنوان شاخص معتبر جهانی را شاهدیم.

در مجموع می‌توان گفت هرچند واقعیت های رخ داده در دوره‌ی اجرای برنامه‌ی چهارم توسعه با روح کلی حاکم بر برنامه‌ی که منبعث از گفتمان اصلاح طلب و به دنبال افزایش مشارکت اجتماعی اقتصادی و ارتقای کیفیت زندگی آنان است هم‌خوانی ندارد و از این لحاظ خصوصاً در عرصه اشتغال در نقطه‌ی مقابل اهداف برنامه‌ی توسعه قرار گرفته است، اما نمی‌توان از دستاوردهای زنان در زمینه‌ی آموزش عمومی و نیز آموزش عالی چشم پوشید؛ عرصه ای که خود از سیاست‌گزاری تبعیض آمیز جنسیتی دور نمانده و در سال های اخیر انقباضاتی را از سرگذرانده است. روند ارتقای وضعیت شاخص آموزش به خوبی نشان دهنده روند تغییرات اجتماعی جامعه ایران و مطالبات اصلی زنان فارغ از سیاست های تحدیدآمیز جنسیتی[1] است؛ روندی که نگاه استراتژیک برنامه‌ی ریزان توسعه به قابلیت‌ها و استعدادهای موجود فراتر از جنس و نیز ارائه و اجرای ضابطه مند طرح‌های توسعه را می‌طلبد.

در این راستا ذکر نکاتی لازم است: تغییر عمومی سیاست‌گزاری های توسعه بر حسب جنسیت تابع اجماع سیاسی اجتماعی کانون‌های قدرت و مولد گفتمان جنسیت در ایران است. علمای دینی، صاحب نظران، خبرگان سیاسی و متصدیان بلند مرتبه اجرایی نقش مهمی در این میان دارند. به‌طورکلی تأثیرات این اجماع هم بر سیاست‌گزاری و هم بر اجرای سیاست‌ها مستولی است.هم‌چنین سیاست‌گزاری‌ها باید ناظر به درهم تنیدگی ابعاد اجتماعی،اقتصادی و فرهنگی و سایر ابعاد انسانی حیات زنان باشد. از این منظر برنامه‌ی‌ریزی‌ها می‌تواند با تسهیل جنبه‌هایی به تقلیل آسیب‌های سایر ابعاد و بالعکس بینجامد. پیوندهای دیالکتیک و حیات‌بخش خانواده و

[1] منظور سیاست هایی است که بنا به ماهیت دولت مدرن و با استفاده از ابزارها و مناسبات قدرت در جهت ایجاد حد و مرزهایی برای رفتارها، شؤون، حقوق و نقش های اجتماعی دو جنس مدون و اِعمال می شود.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

اجتماع خصوصاً از منظر انواع سرمایه از یک سو و عهده‌داری نقش‌های ثانوی چون مادری و همسری از سوی دیگر بر پیچیدگی برنامه‌ی ریزی های استراتژیک برای زنان می افزاید. بنابراین تفکر استراتژیک باید با جامع‌نگری، ابعاد، تغییرات، اختلالات و پویایی های نهاد خانواده در دنیای امروز را رصد کرده و در راستای افزایش توان‌مندی زنان به طرح و برنامه‌ی بپردازد. علاوه بر آن زن ایرانی منفصل از انسان عصر حاضر نیست و باید برنامه‌ی‌ریزی‌های ناظر به تجارب جهانی شکوفایی موقعیت زنان خصوصاً کشورهای دارای تاریخ و فرهنگ نزدیک باشد. با توجه به قابلیت‌های تخصصی و مهارتی موجود به خصوص تعدد فارغ التحصیلان تحصیلات تکمیلی بی شک ضعف و نابسامانی در سیاست‌های توسعه چه در مرحله برنامه‌ی‌ریزی و چه اجرا به تعلیق فرایند توسعه می‌انجامد. همان طورکه عدم انطباق واقعیت‌های توسعه و مفاد برنامه‌ی چهارم در دهه گذشته به عنوان بازدارنده ای برای سایر برنامه‌ی‌های توسعه عمل خواهدکرد. در عین حال باید اکیداً توجه داشت هرگونه برنامه‌ی‌ریزی به خصوص برنامه‌ی‌های معطوف به زنان از طرح تا اجرا نیازمند ضمیمه‌های فرهنگی[1] است که خود می‌بایست وجه همت کارشناسان و متخصصان ماهر و متعهد باشد.

[1] منظور از ضمیمه یا پیوست فرهنگی مجموعه ای است برای شناسایی، اقدام و ارزیابی از آثار و پیامدهای فرهنگی طرح ها و فعالیت ها که پس از انجام مطالعات لازم و با استناد به مبانی نظری و اسناد بالادستی به ویژه نقشه‌ی مهندسی فرهنگی کشور متناسب با مقتضیات و شرایط جامعه مدون می شود. ضمیمه های فرهنگی ضمن معرفی داده - ستاده یک سیاست اجرایی، طرح یا لایحه، پروژه یا هر فعالیت مهم دیگری با فرهنگ جامعه، با ارائه راهکارهای عملی برای تقویت آثار مثبت و حذف و کاهش پیامدهای مخرب آن در فرهنگ جامعه، راهنمای مجریان فعالیت ها و طرح ها در رعایت راهبردها، اعمال الزامات و استانداردهای مربوط و راهکارها در برنامه ها و اقدامات عملی در اجرای آن فعالیت خواهد بود. برای مطالعه بیشتر درباره جایگاه، اهمیت و شیوه تهیه پیوست های فرهنگی نگاه کنید به مفاد "نظام نامه پیوست فرهنگی طرح های مهم وکلان کشور" که در جلسه ۷۳۲ مورخ ۹۲/۱/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسیده و در سایت این شورا قابل رویت است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

منابع

۱. دانشور حسینی، نیر السادات (۱۳۸۴)«نقش زنان در فرایند توسعه: نگاهی به برنامه‌ی چهارم و شاخص های بین المللی توسعه»، **مجله اقتصاد: کار و جامعه**، ش ۶۴:ص ۴-۹ .

۲. زعفرانچی، لیلا سادات (۱۳۸۵) «زنان و خانواده در چهار برنامه‌ی توسعه»، **مطالعات راهبردی زنان**، سال هشتم، ش ۳۳ :ص۹۸-۱۲۹ .

۳. سپهری مقدم ، بتول(۱۳۸۴)« جایگاه زنان در برنامه‌ی های توسعه کشور»، **مجله اقتصادی**، دوره ۵، ش ۴۷ و ۴۸ :ص ۸۵-۱۰۲.

۴. صادقی، سهیلا و کلهر، سمیرا(۱۳۸۶) «ابعاد شکاف جنسیتی و میزان تحقق کاهش آن در برنامه‌ی سوم توسعه»، **زن در توسعه و سیاست**، ش ۱۸: ص۵-۲۸.

۵. کرمی قهی، محمدتقی، (۱۳۹۱) «تحلیل گفتمان سه برنامه‌ی توسعه با رویکردی به مسائل زنان و خانواده»، **فصلنامه رفاه و برنامه‌ی ریزی اجتماعی**، ش ۱۳، ص ۴۱-۷۴.

۶. فروتن، یعقوب(۱۳۸۱) «زمینه‌های فرهنگی تحولات جمعیت شناختی، با اشاراتی ب انتقال باروری در ایران»، **فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات**، ش ۱۴. ص ۱۱۰- ۹۱.

۷. قدیمی، اکرم؛ و دیگران (۱۳۹۰) «مقایسه جایگاه زنان در برنامه‌های توسعه و کلان جمهوری اسلامی ایران»، **تحقیقات زنان**، سال پنجم، ش ۳ .

۸. مرکز آمار ایران، /www.amar.org.ir .

9. Bolles, A. Lynn (1999). "Theories of Women in Development in the Caribbean". In Patricia Mohammed, Catherine Shepherd.

10. campillo ,fabida(1993)"gender women & development aframe work IICA'S Action in latin America & caribben" ,IICA, Program III, Organization and Management for Rural Development.

11. Jackson, edited by Cecile; Pearson, Ruth (2002). Feminist visions of development : gender analysis and policy (1. publ. ed.). London: Routledge. p. Jeffrey, P., & Jeffrey, R. (1998). Silver Bullet or Passing Fancy? Girl's Schooling and Population Policy.

12. Kabeer, Naila (2003). Gender mainstreaming in poverty eradication and the Millennium development goals a handbook for policy-makers and other stakeholders. London: Commonwealth secretariat.

13. Koczberski, Sarah (1998). "Women In Development: A Critical Analysis". Third World Quarterly (Taylor & Francis, Ltd.) 19 (3): 395-410.

14. Moser, Caroline (2002). Gender Planning and Development: Theory, Practice and Training. Routledge.

15. Taylor ;viviene(1999)"gender mainstreaming in development planning :a reference manual for goverments and other"London: Commonwealth Secretariat 1999: p48.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

16. Tinker Irene (1990). Persistent Inequalities: Women and World Development. Oxford University Press.
17. UNDP Human development Report, http://hdr.undp.org
18. weeks-vagliani,winifred(1985)"the integration of women in development projects",OECD publishing.
19. World Bank data, data.worldbank.org/
20. World Health Organization, http://www.who.int/research/en/

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]